

اندیشه های اسلامی در پرتو کتاب و سنت

۲۱

دنیای فرشتگان

تألیف:

دکتر عمر سلیمان اشقر

ترجمه:

گروه فرهنگی انتشارات حرمین



سنی بوک – کتابخانہ مجازی اہل سنت

www.SunniBook.net

فهرست موضوعات

| | |
|-----|---|
| 1 | فهرست موضوعات..... |
| 3 | مقدمه |
| 5 | فصل اول: ویژگیها و توانایی های فرشتگان |
| 5 | مبحث اول: ویژگیهای فیزیکی و مسایل مربوط به آن |
| 23 | مبحث دوم: ویژگیهای اخلاقی فرشتگان..... |
| 25 | مبحث سوم: قدرت و توانایی فرشتگان |
| 35 | فصل دوم: عبادت و بندگی فرشتگان |
| 35 | نگاهی گذرا به سرشت و طبیعت فرشتگان..... |
| 36 | مقام و جایگاه فرشتگان..... |
| 38 | نمونه‌هایی از عبادت فرشتگان |
| 43 | فصل سوم: فرشته و انسان |
| 43 | مبحث اول: فرشتگان و آدم..... |
| 45 | مبحث دوم: فرشتگان و فرزندان آدم..... |
| 68 | مبحث سوم: فرشتگان و مؤمنان |
| 73 | آیا درود فرشتگان برای ما تاثیری دارد؟..... |
| 91 | وظیفه‌ی مؤمن در قبال فرشتگان..... |
| 95 | مبحث چهارم: فرشتگان، کافران و فاسقان..... |
| 105 | فصل چهارم: فرشتگان و سایر مخلوقات |
| 105 | سایر وظایف فرشتگان در جهان هستی..... |
| 109 | فصل پنجم: مفاضله و برتری میان فرشته و انسان |
| 109 | اختلاف نظر در این موضوع دیرینه است..... |

| | |
|----------|--|
| 111..... | دیدگاه‌های مختلف در خصوص مساله مذکور..... |
| 111..... | سرچشمه‌ی اختلاف..... |
| 112..... | دلایل کسانی که معتقدند انسانهای نیکوکار برتر از فرشتگان هستند..... |
| 115..... | دلایل کسانی که معتقد به برتری فرشتگان بر انسان هستند..... |
| 115..... | تحقیق و بررسی..... |
| 117..... | فهرست منابع |

Π

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، مَنْ يَهْدِهِ
اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَ مَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ایمان و اعتقاد به وجود فرشتگان، یکی از اصول اعتقادی اسلام است که ایمان بدون آن
کامل نمی‌گردد. و فرشتگان بخشی از جهان غیب‌اند که خداوند متعال ایمان آورندگان
بدان را مورد ستایش و تمجید قرار داده است؛ زیرا ایمان به فرشتگان در واقع پذیرفتن
خبر خداوند Ψ و پیام رسول خدا ص است.

قرآن و سنت بطور مفصل این موضوع را شرح داده، و زوایای مختلف آن را بیان کرده
اند. هر کس قرآن و سنت را در این زمینه مطالعه کند، ایمان و اعتقاد به فرشتگان برایش
واضح خواهد بود، و هیچ و در این اعتقاد هیچ گنگی و ابهامی نخواهد یافت، و این
مطالعه موجب ایمان عمیق و راسخ بودن این اعتقاد می‌گردد؛ زیرا شناخت تفصیلی از
شناخت مختصر و فهرست وار محکم‌تر و استوارتر است.

قرآن و سنت بدین جهت پیرامون فرشتگان به طور مفصل بحث نموده اند که انسان بدون
وحی نمی‌تواند به شناخت کافی و لازم در مورد این موضوع مهم دست یابد. زیرا حواس
انسان ناتوان‌تر از آن است که فرشتگان را ببیند و کلامشان را بشنود، ولی این ناتوانی به
مصلحت انسان است؛ زیرا اگر انسان همه ی صداهای اطرافش را می‌شنید، و همه ی
موجودات را مشاهده می‌کرد؛ نمی‌توانست زندگی راحتی داشته باشد؛ برای مثال کافی است
تصور کنیم که انسان به همه ی صداهایی که از رادیو بخش می‌شود گوش فرا می‌دهد تا از

حوادث و بلاهایی خبر شود که در انتظارش است. پس اگر فرشته هم از اخبار جهان باخبر شود دچار جنون و سرگستگی می شود. کسی گمان نبرد که پرداختن به موضوع این اصل (فرشته) از علوم اساسی نیست؛ زیرا حقایقی که قرآن و سنت در این راستا ارائه می دهند؛ تأثیر بسزایی در نفی خرافات و انحراف از مسیر عقل صحیح دارد؛ چرا که از قدیم مقوله‌ی خدا بودن یا دختر خدا بودن فرشتگان، رایج بوده، و برخی از فیلسوفان هم بر این باور بوده اند که فرشتگان همان افلاک و گردونه‌اند که در فضا دیده می‌شوند.

این حقایق که در قرآن و سنت بیان شده اند، ایمان و اعتقاد ما را نسبت به خدایی که معبود حقیقی است و محافظ و مراقب این جهان هستی است راسخ و عمیق می گرداند آن که لشکر خود را از فرشتگان برگزیده تا به امور و شؤون مختلف هستی بپردازند. ارتباط ما با فرشتگان از لحاظ تکوین و بوجود آمدن، و مراقبت و نگهبانی بیانگر اهمیت و ارزش انسان است، و اندیشه‌ی پوچگرایی و حقارت انسان را نفی می کند، و با درک این حقیقت انسان ارزش خود را می شناسد و تلاش می کند نقش بزرگ خود را که موظف به ادای آن است به اثبات برساند.

اگر پیامدها و آثار ارزشمند ایمان به فرشتگان را بررسی کنیم، و آیات و روایات پیرامون این موضوع را ذکر نماییم، در این مقدمه نمی‌گنجد و سخن به درازا می‌کشد. بنابراین موضوع را به خواننده می سپارم تا مدت زمانی را با مطالعه و تلاوت آیات و احادیث درباره‌ی این موضوع سپری کند، و با تأمل در آنها خود آثار ناشی از باور به این اصل اعتقادی را لمس نماید.

از خداوند متعال می‌خواهم که این کتاب را موجب سود و بهره‌مندی قرار دهد، و آن را خالصانه از بنده بپذیرد؛ زیرا تنها او برترین مولی و بهترین یاور است

عمر سلیمان اشقر

کویت: ۲۰/ ذی القعدة ۱۳۷۸ هـ - ۱۹۸۷/۹/۲۲ م.

فصل اول:

ویژگیها و توانایی های فرشتگان

در این فصل تلاش ما بر این است که خصوصیات و ویژگیهای اخلاقی و سرشتی فرشتگان را در پرتو قرآن و احادیث صحیح بیان نموده، سپس به توانمندی آنها بپردازیم.

مبحث اول: ویژگیهای فیزیکی و مسایل مربوط به آن

1- فرشتگان از چه ماده‌ای و در چه زمانی آفریده شده‌اند؟

فرشتگان از نور آفریده شده‌اند، همانگونه که عایشه ل روایت کرده که رسول اکرم ص فرمود: فرشتگان از نور، جن ها از آتش و آدم از چیزی که برای شما بیان شده است، آفریده شده‌اند.^۱

البته رسول خدا ص نوع نوری را که فرشتگان از آن آفریده شده‌اند، بیان نکرده است. بنابراین ما نمی توانیم بیش از آنچه در این مورد بیان شده توضیح دهیم؛ چون این بحث مربوط به جهان غیب است.

ولی آنچه از عکرمه روایت است مبنی بر اینکه: «فرشتگان از نور عزّت، و ابلیس از آتش عزت آفریده شده» و یا آنچه عبدالله بن عمرو روایت کرده است مبنی بر اینکه: «خداوند فرشتگان را از نور بازو و سینه آفریده است!» استناد بدان صحیح نیست. اگر این روایات از این راویان عالم و دانشمند صحیح باشد، باز هم آنها معصوم نیستند، و ممکن است منبع این روایات اسرائیلیات باشند.^۲

۱- صحیح مسلم (۲۲۹۴/۴). برخی عالم نماها این حدیث و امثال آن را به بهانه‌ی اینکه با حدیث آحاد عقیده ثابت نمی

شود، مردود می دانند ولی این موضوع را در رساله‌ی (أصل الاعتقاد) به این شبهه پاسخ داده ام.

۲- به سلسلة الأحادیث الصحيحة (۱۹۷/۱) مراجعه شود.

اما آنچه شاه ولی الله دهلوی در (حجة الله البالغة) گفته مبنی بر اینکه «ملاً اعلی» یعنی ساکنان آسمان و عالم بالا به سه دسته تقسیم می شوند:

دسته‌ی اول: آنهایی هستند که خداوند می داند هر خوبی و نفعی به وجود آنها بستگی دارد، از این رو بعضی اجسام نوری مانند آتش موسی ÷ را آفریده، و نفوس کریمه‌ای را در آنها دمید.

دسته‌ی دوم: گروهی هستند که بصورت هماهنگ با مزاج بخارهای لطیف از عناصری به وجود آمده‌اند که دارای نفس پاک و والا هستند، و به شدت آلودگی‌های حیوانی را از خود می رانند.

دسته‌ی سوم: آنهایی هستند که نفوس انسانی دارند، و به ساکنان آسمان بسیار نزدیک هستند، و همواره در حال انجام اعمالی هستند که مفید و موجب رستگاری می باشند، به طوری که پیوستن به آنها سودمند است و پرده‌های فیزیکی از اجسام این گروه برداشته شده، به گونه‌ای که اینان در مسیر باشندگان آسمان حرکت می کنند و جزو آنها محسوب می شوند.^۱

هیچ دلیل درست و سند معتبری مبنی بر صحّت این تقسیم‌بندی با این تفصیل وجود ندارد.

چه زمانی فرشتگان آفریده شده‌اند؟

ما نمی دانیم فرشتگان چه زمانی آفریده شده‌اند؟ خداوند در این باره هیچ گونه اطلاعی به ما نداده است. البته می دانیم که آنها جلوتر از آدم «ابو البشر» آفریده شده‌اند؛ زیرا خداوند به ما خبر داده که جانشین قرار دادن آدم بر روی زمین را به فرشتگان اعلام نموده، و به اطلاع آنها رسانده است:

چأ ب پ پ پ پ پ پ پ پ چ [بقره: ۳۰]

۱- الحجة الله البالغة ص (۳۳)

و در احادیثی، رسول خدا ص به ما خبر داده که حضرت جبرئیل (علیه السلام) ششصد سال دارد. که در مباحث گذشته کاملاً بیان گردید.

2- جمال و زیبایی فرشتگان

خداوند متعال فرشتگان را زیبا آفریده است. چنانکه درباره ی جبرئیل فرموده:

چ ط ٹ ڈ ڈ ف ف ف چ [نجم: ۵-۶]

یعنی: (جبرئیل، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگی خود و با بالهایی که کرانه‌های آسمان را پر کرده بود) راست ایستاد.

ابن عباس ؓ در تفسیر «ف ف» می نویسد: «یعنی داری سیما و صورت زیباست». قتاده می‌گوید: «دارای قامتی بلند و زیباست». بعضی «ف ف» را به قدرت و توانایی تفسیر کرده اند، میان این دو تفسیر هیچ منافات و تضادی وجود ندارد؛ زیرا جبرئیل ؑ هم تواناست و هم زیبا.

فرشتگان در میان مردم نیز به فرشتگان حُسن و جمال معروف اند، همانطور که شیاطین به قُبْح، زشتی و بد شکلی معروف هستند، از این رو انسان زیباروی را به فرشتگان تشبیه می‌کنند، و هنگامی که زنان مصر جمال و زیبایی یوسف ؑ را مشاهده کردند گفتند:

چ ط ڈ ڈ ف ف ف ف ف ف چ [یوسف: ۳۱]

ماشاءالله! این آدمیزاد نیست، بلکه فرشته ی بزرگواری است.

3- آیا فرشتگان در شکل و صورت شبیه با انسانها هستند؟

امام مسلم در صحیح و ترمذی در سنن خود از جابر ؓ نقل کرده اند که رسول خدا ص فرمود: در شب معراج تمام پیامبران به من نشان داده شدند، موسی ؑ نه بسیار چاق و نه

بهترین فرشتگان کسانی هستند که در جنگ بدر حضور داشتند. رفاعه بن رافع روایت می‌کند: که جبرئیل نزد رسول خدا ص آمد و گفت: برای کسانی که در غزوه‌ی بدر حاضر بودند، چه جایگاهی در میان خود قایل هستید؟ رسول خدا ص فرمود: آنان از بهترین مسلمانان هستند. جبرئیل گفت: همچنین فرشتگانی که در غزوه‌ی بدر حضور داشتند، از بهترین فرشتگان محسوب می‌شوند.^۱

5- فرشتگان نر و ماده نیستند

از جمله عوامل گمراهی بعضی از انسانها هنگام پرداختن به موضوع عالم غیب این است که جهان غیب را با مقیاس و معیارهای بشری دنیا می‌سنجند. از این رو بعضی از آنان تعجب می‌کنند که چگونه جبرئیل در مدت چند ثانیه بعد از مطرح شدن سؤالی که نیاز بود از طرف خداوند Ψ جواب داده شود، بر محمد ص نازل می‌شد؟ و حضور جبرئیل را در مدت کوتاه و با سرعت خارق العاده و باور نکردنی تلقی می‌کنند و می‌گویند: چگونه چنین چیزی ممکن است، در حالی که نور (با سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه) نیاز به میلیونها سال نوری دارد تا به برخی از سیارگان نزدیک ما در آسمان برسد؟!

این انسان مسکین نمی‌داند که او مانند پشه‌ای است که می‌خواهد سرعت هواپیما را با معیار خاص خود بسنجد. اگر این انسان خوب می‌اندیشید، قطعاً می‌دانست که معیارهای جهان فرشتگان کاملاً متفاوت با معیار ما انسانهاست.

مشرکین عرب هم در این عرصه‌ها به بیراهه رفتند؛ زیرا فرشتگان را از جنس زنان می‌پنداشتند، و این پندارشان که خالی از واقعیت بود با خرافاتی واهی، در هم آمیخت، بدینگونه که فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند!

قرآن در هر دو پندار با آنان به جدل و بحث پرداخته، و ثابت کرد که مشرکین برای اثبات موضع خود در قبال فرشتگان، دلیل صحیحی ندارند، و این ادعای آنان هیچگونه

یعنی: آنان فرشتگان را که بندگان خدای مهربانند، مؤنث بشمار می‌آورند (و دختران خدا قلمداد می‌نمایند!). آیا ایشان به هنگام آفرینش فرشتگان حضور داشته‌اند و خلقتشان را مشاهده نموده‌اند؟! اظهار نظر و گواهی ایشان (بر این عقیده بی‌اساس، در نامه‌های اعمالشان) ثبت و ضبط می‌شود و (در روز قیامت، از سوی خدا) بازخواست می‌گردند.

در مباحث گذشته یادآور شدیم که فرشتگان نر و ماده (مذکر و مؤنث) نیستند به خوردنیها و نوشیدنیهای انسان نیازی ندارند. و خداوند Ψ به ما خبر داد که فرشتگان به شکل انسان نزد حضرت ابراهیم ص رفتند. ابراهیم U برای آنان غذا آورد، اما آنان دستشان را بسوی غذا دراز نکردند. ابراهیم هراسی از آنان به دل راه داد، آنگاه آنان از حقیقت پرده برداشتند و گفتند: و ما فرشته ایم آنگاه بیم و حیرت حضرت ابراهیم برطرف گردید. قرآن این جریان را چنین بازگو نموده و می فرماید:

یعنی: آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ در آن زمانی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برایم) مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید. به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده ی خود رفت، و گوساله فربه‌ای را (که بریان کرده بودند، برای ایشان) آورد. و آن را نزدیک ایشان گذارد. (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمی‌برند و از آن چیزی نمی‌خورند!) گفت: آیا نمی‌خورید؟!

۱- از این رو لازم است که فرد مسلمان از گفتن هر مقوله ای بدون علم و آگاهی بر حذر باشد، و به کسانی که ادعا می کنند که اصل انسان میمون یا چیز دیگری بوده همین سخن گفته می شود: **أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَكَنَتْ شَهَادَتُهُمْ وَيَسْأَلُونَ**: آیا ایشان به هنگام آفرینش حضور داشته اند و خلقتشان را مشاهده نموده اند؟

چ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □ چ [فصلت: ۳۸]

یعنی: اگر (مشرکان) خود را بزرگتر از آن دیدند (که به عبادت و پرستش پروردگار پردازند، باک مدار. چرا که) آنان که در پیشگاه پروردگارت منزلت و مکانت دارند (که فرشتگان مقربند) شب و روز به تسبیح و تقدیس او سرگرمند و به هیچ وجه ایشان (از این کار) خسته و درمانده نمی گردند.

عرب می گوید: «سَمِ الشَّيْءِ» یعنی آن را ملول کرد.

سیوطی از جمله‌ی «كُ كُ» به نقل از امام فخر رازی چنین استدلال می کند که فرشتگان نمی خوابند.

8- محل سکونت فرشتگان

منزل و محل سکونت فرشتگان در آسمانهاست، همانگونه که خداوند می فرماید:

چ ق ق ق ق ق ق ق چ چ چ [شوری: ۵]

یعنی: آسمانها (با همه ی عظمتی که دارند) نزدیک است (در برابر جلال و عظمت او کرنش کنان) از بالا درهم بشکافند. و فرشتگان (با همه ی قدرتی که دارند همیشه) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغولند.

خداوند فرشتگان را نزد خود قرار داده است، همانگونه که می فرماید:

چ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □ چ [فصلت: ۳۸]

یعنی: اگر (مشرکان) خود را بزرگتر از آن دیدند (که به عبادت و پرستش پروردگار پردازند، باک مدار. چرا که) آنان که در پیشگاه پروردگارت منزلت و مکانت دارند (که فرشتگان مقربند) شب و روز به تسبیح و تقدیس او سرگرمند و به هیچ وجه ایشان (از این کار) خسته و درمانده نمی گردند.

فرشتگان به فرمان خداوند و برای انجام کارها و وظایف مهمی که مربوط به آنان است بر زمین فرود می آیند:

چ □ □ □ □ □ چ [مریم: ۶۴]

یعنی: ما (فرشتگان، بندگان جان و دل بر کف یزدان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی آییم.

و در شبهای ویژه ای مانند شب قدر به کثرت فرود می آیند:

چپنٹ ڈڈٹ ٹ ڈڈٹ ڈ ڈڈٹ ڈ ڈڈٹ ڈ چ [قدر: ۳-۴]

یعنی: شب قدر شبی است که از هزار ماه بهتر است. فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پیایی (به کره ی زمین و به سوی پرستشگران و عبادت کنندگان شب زنده دار) می آیند برای هرگونه کاری (که بدان یزدان سبحان دستور داده باشد)

9- تعداد فرشتگان

تعداد فرشتگان بسیار زیاد است و آمار دقیق آنان را جز خداوندی که آنها را آفریده کسی دیگر نمی داند، همانگونه که می فرماید:

چ ژ ژو و وؤچ [مدثر: ۳۱]

یعنی: لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی داند.

اگر می خواهی تعداد فرشتگان را بدانی، به سخن حضرت جبرئیل درباره ی بیت المعمور گوش فرا ده آنگاه که رسول خدا ص از وی در این باره پرسید، جبرئیل گفت:

یعنی: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

و جبرئیل همان روح الامین است که در آیه ای دیگر بدین نام از وی یاد شده است که فرمود:

چَکَکَ گَ گَ گَ گَ نَ نَ طَ طَ چَ [شعراء: ۱۹۳-۱۹۴]

یعنی: جبرئیل آن را فرو آورده است. بر قلب تو، تا از زمره ی بیم دهندگان باشی.

و نیز منظور از روح همان جبرئیل است، و جبرئیل همان روح است که خداوند او را بسوی مریم فرستاده است، آنجا که می فرماید:

چَیَیَ تَ تَ تَ تَ چَ [مریم: ۱۷]

یعنی: ما جبرئیل (فرشته) خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان کامل خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد.

۳- اسرافیل

یکی دیگر از فرشتگان اسرافیل است که ماموریت دمیدن در صور را بر عهده دارد. جبرئیل، میکائیل و اسرافیل همان فرشتگانی هستند که رسول خدا ص در دعای خود هنگام شروع نماز شب یادی از آنها به میان آورده و فرمود:

«اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

یعنی: پروردگارا! ای رب جبرئیل، میکائیل و اسرافیل! ای آفریدگار آسمانها و زمین! ای آگاه بر پیدا و پنهان! تو میان بندگان در مسایل مورد اختلافشان قضاوت می کنی. به اجازه و فرمان خود در مسایل مورد اختلاف مرا به حق هدایت بفرما! بدون شک تو هر کس را که بخواهی به راه راست راهنمایی می کنی.

۴- مالک

یکی از فرشتگان، مالک نام دارد که نگهبان دوزخ است، همانگونه که خداوند متعال در این باره می فرماید:

چَٰطَٰتٌ ۖ ذُّلَّٰلٌ ۖ فَفُؤٌ ۖ قَٰفٍ ۚ [زخرف: ۷۷]

یعنی: آنان فریاد می زنند: ای مالک! پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند (تا بیش از این رنج نبریم و از این عذاب دردناک آسوده شویم. او بدیشان) می گوید: شما (اینجا) می مانید (و مرگ و میر و نیستی و نابودی در کار نیست).

۵- رضوان

مفسر معروف علامه ابن کثیر رحمه الله می گوید: مدیر و مسئول بهشت فرشته ای به نام رضوان است، و در بعضی احادیث نام رضوان بطور صریح آمده است.^۱

۶-۷- منکر و نکیر

منکر و نکیر هم از جمله فرشته هایی هستند که رسول خدا ص از آنها یاد کرده است و در روایات مربوط به سوال و جواب در قبر؛ نامشان مشهور است.

۸-۹- هاروت و ماروت

۱- البداية النهایة (۵۳/۱)

همانند سفیرانی هستند که میان مردم صلح و آشتی برقرار می کنند. و خداوند آنها را به ارجمند و نیکوکار توصیف کرده و فرموده: **چَرُّكَ** چ یعنی: بزرگوار، نیکمنش و نیکوکردارند، و نیز رفتار و اعمال آنان شایسته، پاکیزه و کامل است، از این رو عالم دین، و حامل قرآن باید نیک کردار و پسندیده گفتار باشد.

حضرت ام‌المؤمنین عایشه ب روایت می کند که رسول خدا ص فرمود:

«الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالَّذِي يَقْرَأُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ»^۱

یعنی: کسی که قرآن را تلاوت می کند، و در تلاوت مهارت دارد همراه با فرشتگان بزرگوار و نیکمنش است، و شخصی که قرآن را تلاوت می کند ولی چون در آن مهارت ندارد متحمل زحمت و مشقت می گردد دو اجر دارد.

1- حیاى فرشتگان

از جمله ویژگیهای اخلاقی فرشتگان که رسول خدا ص بیان فرموده، شرم و حیاست. عایشه ب روایت کرده که: رسول خدا ص در اتاق عایشه دراز کشیده بود و ساق پایش برهنه بود، در آن موقع ابوبکر ؓ آمد و اجازه ی ورود خواست. به او اجازه داد و با وی سخن گفت. بعد عمر ؓ آمد و اجازه ی ورود خواست. به او نیز اجازه داد و با وی سخن گفت. بعد عثمان ؓ اجازه ی ورود خواست. رسول خدا ص برخاست و نشست و لباسهایش را مرتب کرد، سپس عثمان ؓ وارد خانه شد و با ایشان سخن گفت، بعد بیرون رفت. وقتی عثمان از خانه بیرون رفت، عایشه عرض کرد: ابوبکر وارد خانه شد شما به او توجه خاصی نکردی، عمر نیز وارد شد همانگونه با او برخورد کردی، ولی وقتی عثمان داخل شد نشستی و لباسهایش را مرتب کردی؟ رسول خدا ص فرمود: «أَلَا أَسْتَحْيِي مِنْ رَجُلٍ تَسْتَحْيِي مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ» یعنی: آیا من شرم نکنم از کسی که فرشتگان از وی شرم می

۱- بخاری (ش. ۴۹۳۷)

همچنین فرشتگان بصورت جوانان زیباروی نزد حضرت لوط ع آمدند و لوط ع از ورود آنان ناراحت شد و از سوی قوم خود برای آنان احساس خطر کرد؛ زیرا قوم او مردمانی بدکردار بودند و همیشه دنبال بزهکاری و فساد اخلاقی بودند، و غریزه جنسی خود را بجای زنان از مردان ارضاء می کردند، همانگونه که قرآن می فرماید:

چگ گ گ گ گ گ گ گ گ گ گ گ چ [هود: ۷۷]

یعنی: هنگامی که فرستادگان ما (به صورت جوانانی) پیش لوط درآمدند، لوط از آمدن آنان بسیار ناراحت گردید و دانست که قدرت دفاع از ایشان (در برابر قوم تباهکار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسیار سخت و دردناکی است.

ابن کثیر می گوید: «فرشته ها جهت آزمون و امتحان به صورت جوانانی زیباروی خود را به آنها نشان دادند تا بر قوم لوط اتمام حجت شود، سپس ایشان را گرفتار کرد و کیفر داد بسان کیفر دادن خدایی چیره، پیروز و قدرتمند.^۱

جبرئیل با شکوه و ویژگیهای متفاوتی نزد رسول خدا ص می آمد. گاهی به شکل دحیه بن خلیفه کلبی می آمد (دحیه از صحابه و مردی بسیار زیباروی بود) و گاهی هم به شکل یک مرد بادیه نشین خود را نشان می داد، که بسیاری از صحابه او را می دیدند.

در صحیح بخاری و مسلم آمده که: عمر ر روایت می کند: روزی در محضر رسول خدا ص بودیم، مردی با لباس بسیار سفید و موهای خیلی سیاه که آثار سفر بر او دیده نمی شد، و هیچ کس از حاضران او را نمی شناخت، آمد و نزدیک رسول خدا ص نشست و دو زانوی خود را با زانوهای ایشان وصل کرد و دو دستش را بر رانهایش گذاشت و گفت: «ای محمد! درباره ی اسلام برایم بگو..... و نیز از ایمان، احسان، قیامت و نشانه های آن سؤال کرد».^۲

۱- البدایة النهایة (۴۳/۱)

۲- مسلم (۳۷/۱) شماره (۸)

پس از رفتن این مرد رسول خدا ص فرمود: او جبرئیل بود، آمده بود تا به صحابه دین را بیاموزاند.

همچنین عایشه ب رسول خدا ص را دید که دستش را بر روی اسب دحیه‌ی کلبی گذاشته بود و با او سخن می گفت. وقتی عایشه در این باره از ایشان پرسید، فرمود: او جبرئیل بود و به شما سلام رساند.^۱

رسول خدا ص درباره‌ی شخصی که نود و نه نفر را کشته بود فرمود: «وقتی این شخص توبه‌کنان هجرت کرد، در وسط راه مرگ به سراغش آمد، فرشته‌ی عذاب و فرشته‌ی رحمت در مورد او اختلاف پیدا کردند، و برای حل اختلاف فرشته‌ی ای را به عنوان داور مقرر کردند که به صورت انسان نزد آنان آمده بود. رسول خدا ص می فرماید: «فَأَتَاهُم مَلَكٌ فِي صُورَةِ آدَمِ فَجَعَلُوهُ بَيْنَهُمْ فَقَالَ قِيسُوا مَا بَيْنَ الْأَرْضَيْنِ فَأَلَى أَيُّهُمَا كَانَ أَدْنَى فَهُوَ لَهُ».

یعنی فرشته‌ی ای بصورت انسان نزد آن دو آمد و گفت: مسافت میان مقصد و مبدأ راهش را اندازه بگیرید، به هر کدام از این دو (مبدأ و مقصد) نزدیک تر بود، جزو همان محسوب می شود. (آن دو فرشته به فرمان خداوند او را داور قرار داده بودند).

بنابراین خداوند آن دو فرشته را به شکل انسان برای داوری نزد آنها فرستاده بود. این داستان در صحیح مسلم در باب توبه به طور مفصل ذکر شده است.

در قصه‌ی سه نفر بنی اسرائیلی که یکی دارای بیماری جذام و دیگری کچل و سوّمی نابینا بود، آمده است که فرشته برای امتحان آنها بصورت انسان نزد آنان رفت، که داستان آن ذکر خواهد آمد.

بسیاری از علما پیرامون نحوه‌ی تغییر شکل فرشتگان نظریاتی عقلی مطرح کرده اند، و سخنان بسیار نامطلوبی گفته اند، ولی طرح این نظریه ها در این مباحث غیبی کمترین

۱- احمد در مسند ابن سعد در طبقات.

دقت فرشته ها در اجرای دقیق فرامین خداوند متعال بسی جای تأمل و ملاحظه است. در صحیح مسلم و مسند احمد از انس ؓ نقل شده است که رسول خدا ص فرمود: «در روز قیامت من به درب بهشت می آیم و درب را می زنم. خازن (مأمور بهشت) می گوید: چه کسی هستی؟ در جواب می گویم: من محمد هستم، خازن می گوید: آری، به من دستور داده شده تا پیش از ورود تو درب بهشت را برای هیچ کسی باز نکنم».^۱ ما می توانیم به دقت عمل و وظیفه شناسی آنان در پرتو حدیث معراج بنگریم آنگاه که جبرئیل برای ورود به آسمان ها درخواست اجازه می کرد، و درب هیچ آسمانی بدون اجازه و بازپرسی باز نمی شد.

5- عصمت فرشتگان

علامه سیوطی به نقل از قاضی عیاض می گوید: مسلمانان اتفاق نظر دارند بر اینکه فرشتگان مؤمن و فاضل اند، و اینکه فرشتگان پیام آور در عصمت با پیامبران برابرند، یعنی همانگونه که پیامبران معصوم اند، آنان نیز در رسالت و تبلیغ احکام معصوم اند. و فرشتگان در حق پیامبران و ابلاغ فرامین خدا به آنان مانند پیامبران نسبت به امت ها هستند. البته درباره ی عصمت فرشتگانی که مرسل نیستند، اختلاف نظر وجود دارد. گروهی با استناد به این آیه تمام آنان را معصوم می دانند:

چ... ی پ پ □ □ □ □ □ □ □ □ [تحریم: ۶]

یعنی: فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند، و همان چیزی را انجام می دهند که بدان مأمور شده اند.

برخی بر این باورند که عصمت در تمام امور، ویژه ی فرشتگان مرسل و مقربان است، و به قصه ی هاروت و ماروت و ابلیس استدلال می کنند. اما در حقیقت همگی فرشتگان معصوم اند و از تمام اعمال و رفتاری که موجب پایین آوردن منزلت آنان از جایگاه رفیع شود منزّه و پاک هستند.

۱- مسلم (۱۸۸/۱) شماره (۱۹۷)

فصل دوّم: عبادت و بندگی فرشتگان

نگاهی گذرا به سرشت و طبیعت فرشتگان

فرشتگان بر اطاعت و فرمانبرداری خداوند متعال سرشته شده‌اند، و قدرت نافرمانی ندارند:

چ... ی پ پ پ □ □ □ □ □ □ □ □ [تحریم: ۶]

یعنی: فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، زورمند و توانا هستند. از خداوند در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.

از این رو ترک نافرمانی خدا، و پایبندی به اطاعت از او در فرشتگان امری فطری و است، و چون شهوت ندارند برای اطاعت فرمان خدا متحمل کمترین تلاش و مشقت نمی‌شوند.

شاید این نکته موجب شده که عده ای از علما بگویند: فرشتگان مانند انسانها مؤظف به انجام تکالیف نیستند. اما اینکه گفته شود بطور مطلق بر آنها تکلیفی نیست، صحیح نیست؛ زیرا آنها مؤظف به عبادت و اطاعت از فرمان خدا هستند:

چ اَ اَ اَ اَ اَ اَ اَ اَ اَ اَ [نحل: ۵۰]

یعنی: فرشتگان از پروردگار خود که بر آنان حاکم است می‌ترسند و آنچه بدانان دستور داده شود (به خوبی و بدون چون و چرا) انجام می‌دهند.

در این آیه بیان شده که آنها از پروردگار می‌ترسند، و ترس نوعی تکلیف شرعی است،

یعنی: ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آییم (و به کره ی زمین گام نمی‌گذاریم). از آن اوست آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است و پروردگارت فراموشکار نبوده (و نیست).

نمونه‌هایی از عبادت فرشتگان

فرشتگان بندگان عبادت‌گذار و موظف به اطاعت از خداوند Ψ هستند. عبادت و تکالیف را براحتی و آسانی انجام می‌دهند. اینک به بیان برخی از عبادات‌های آنان که خداوند، یا رسول گرامی ص آن را برای ما بیان کرده اند، می‌پردازیم.

1- تسبیح

فرشتگان به یاد و ذکر خداوند مشغولند و بزرگترین ذکر آنان تسبیح است. فرشتگان حامل عرش خداوند، پروردگار را به تسبیح و پاکی یاد می‌کنند، آنجا که می‌فرماید:

چے ئے کُ کُ وُ وُ چ [غافر: ۷]

یعنی: آنان که بردارندگان عرش خداوند و آنان که گرداگرد آنند به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند.

همانگونه که سایر فرشتگان به تسبیح او مشغول اند:

چ چ یچ چ چ [شوری: ۵]

یعنی: فرشتگان (با همه ی قدرتی که دارند دائماً) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغولند.

تسبیح فرشتگان خداوند متعال همیشگی و پیوسته است و هرگز قطع نمی‌شود، نه در شب و نه در روز، همانگونه که می‌فرماید:

چے ئے کُ کُ چ [انبیاء: ۲۰]

یعنی: شب و روز (دائماً به تعظیم و تمجید خدا مشغولند و پیوسته) سرگرم تسبیح و

تقدیس اند و سستی به خود راه نمی دهند.

و به دلیل کثرت تسبیح در حقیقت تسبیح گویان واقعی فقط آنان هستند، و برای آنان مایه‌ی افتخار و مباحات است:

چ ک گ گ گ گ گ چ صافات [۱۶۵-۱۶۶]

یعنی: و ما جملگی (برای اطاعت یزدان و اجرای فرمان خداوند سبحان) به صف ایستاده‌ایم. و ما جملگی، به تسبیح و تقدیس خدا مشغولیم.

کثرت تسبیح آنان تنها بدین دلیل است که تسبیح بهترین ذکر است. ابوذر ؓ روایت می کند که: از رسول خدا ص پرسیده شد: بهترین ذکر کدام است؟ فرمود: «ذکری که خداوند آن را برای فرشتگان، یا برای بندگان برگزیده است، یعنی: سبحان الله و بحمده»^۱.

2- منظم به صف ایستادن

حدیثی که رسول خدا ص اصحابش را برای صف بستن در نماز به پیروی از فرشتگان تشویق می کرد، قبلاً گذشت که فرمود: «أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا». یعنی: آیا مانند فرشتگان که نزد پروردگارشان به صف می ایستند صف نمی بندید؟

وقتی از نحوه‌ی صف بستن فرشتگان سؤال شد، رسول خدا ص فرمود: «يَكْمُلُونَ الصَّفَّ الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلُ يَتَرَاوُونَ فِي الصَّفِّ»^۲

یعنی: صف ها را کامل می کنند و تا صف اول تکمیل نشده صف دوم را تشکیل نمی دهند و استوار و با وقار می ایستند.

۱- صحیح مسلم (۲۰۹۳/۴) شماره (۲۷۳۱)

۲- مسلم (۳۲۲/۱) شماره (۴۳۰)

و در قرآن درباره‌ی فرشتگان آمده است: **كَلَّمَكَ** چ یعنی: و ما جملگی (برای اطاعت یزدان و اجرای فرمان خداوند سبحان) به صف ایستاده‌ایم.

فرشتگان می ایستند و رکوع و سجده می کنند. در کتاب مشکل الآثار امام طحاوی، و معجم الکبیر طبرانی از حکیم بن حزام چنین روایت شده است: روزی رسول خدا ص در جمع یاران و اصحاب خود نشسته بود، از آنان پرسید: آیا آنچه را که من می شنوم، شما هم می شنوید؟ صحابه عرض کردند: ما چیزی نمی شنویم. رسول خدا ص فرمود: من ناله و آه آسمان را می شنوم و جای ملامت نیست که آسمان چنین می کند؛ زیرا به اندازه ی یک وجب از آسمان خالی نیست، بلکه در هر نقطه از آن فرشته ای در حال سجده یا ایستاده در حال عبادت است.^۱

3- حج فرشتگان

در آسمان هفتم فرشتگان کعبه ای دارند که در آنجا مراسم حج خود را بجا می آورند. این کعبه «بیت المعمور» نام دارد و در سوره ی «طور» خداوند بدان سوگند یاد کرده و می فرماید: **چ ه ب چ [طور: ۴]**

ابن کثیر در تفسیر این آیه می گوید: رسول خدا ص در مورد سفر معراج بعد از عبور از آسمان هفتم، فرمود: «من از آنجا به بیت المعمور برده شدم که روزانه هفتاد هزار فرشته بر آن وارد شده و تا پایان عمر برای بار دوم بدان جا وارد نمی شوند»^۲ یعنی این فرشتگان در بیت المعمور عبادت می کنند و مانند اهل زمین کعبه‌ی خود را طواف می کنند؛ بیت المعمور کعبه‌ی ساکنان آسمان هفتم است. از این رو رسول خدا ص حضرت ابراهیم خلیل را آنجا دید که به دیوار بیت المعمور تکیه زده و نشسته بود؛ زیرا او بنیانگذار کعبه‌ی زمین است، و پاداش از نوع و جنس عمل است.

ابن کثیر درباره‌ی مکان بیت المعمور می گوید: «بیت المعمور در مقابل و موازات کعبه

۱- آلبانی این حدیث را بنا بر شرط صحت نزد امام مسلم صحیح دانسته. (سلسله صحیح، شماره ۸۵۲)

۲- بخاری (۱۰۳/۶) شماره (۲۲۰۷) مسلم (۱۴۶/۱) شماره (۱۶۲)

قرار دارد، و اگر بیفتد روی کعبه می افتد، و یادآور شده که در هر آسمانی خانه ای وجود دارد که ساکنان آسمان در آن عبادت می کنند، و خانه ای که در آسمان دنیاست «بیت العزّة» نام دارد.

این روایت که ابن کثیر میگوید: بیت المعمور در موازات کعبه قرار دارد را حضرت علی ع روایت کرده است. ابن جریر از طریق خالد بن عرعره نقل کرده و می گوید: شخصی از حضرت علی ع پرسید: بیت المعمور چیست؟ حضرت علی فرمود: «بیت فی السّماء یقال له الضّراح بحیال الکعبه من فوقها، حرّمته فی السّماء کحرمة هذا فی الأرض یصلّی فیهِ کلّ یوم سبعون ألف ملک و لا یعودون الیه أبداً»^۱

یعنی: خانه ای در آسمان به نام ضراح وجود دارد که در موازات خانه‌ی کعبه قرار دارد احترام آن در آسمان مانند احترام خانه‌ی کعبه در زمین است. هر روز هفتاد هزار فرشته آن را زیارت می کنند، و تا پایان عمر فرشتگانی که یک بار وارد آن شدند دیگر نوبت زیارت به آنها نمی رسد.

شیخ ناصر الدین آل‌بانی جز عرعره دیگر رجال این سند را ثقه دانسته است، و در رابطه با عرعره می گوید: او مستور الحال است.... آل‌بانی یادآور شده که روایت صحیح مرسل شاهد این روایت است و می‌گوید: قتاده می گوید: برای ما نقل شده که روزی رسول خدا ص از اصحاب پرسید: «آیا می دانید بیت المعمور چیست؟ صحابه عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود: بیت المعمور مسجدی در آسمان است که کعبه زیر آن قرار دارد، بگونه ای که اگر بیفتد بر روی کعبه می افتد....».

سپس محقق (آل‌بانی) گفت: «خلاصه اینکه جمله‌ی «حیال الکعبه» با توجه به کثرت طُرُق حدیث ثابت است و صحت آن از لحاظ اصول علم حدیث مورد تایید است».

۱- ابن حجر: فتح الباری (۳۰۸/۶)

4- بیم و هراس فرشتگان از خداوند

از آن جایی که شناخت فرشتگان نسبت به پروردگار در حد بالایی است، تعظیم و خشیت و هراس آنان در حق او نیز زیاد است، همانگونه که خداوند در باره‌ی فرشتگان می‌فرماید: **چ چ چ چ چ چ [انبیاء: ۲۸]**

یعنی: همیشه از خوف (مقام کبریائی) خدا ترسان و هراسانند. شدت ترس و هراس فرشتگان از پروردگار را نواس بن سمعان τ اینگونه روایت می‌کند که رسول خدا ص فرمود:

«إذا اراد الله أن يوحى بالأمر تكلم بالوحي أخذت السموات منه رجفة أو قال رعدة شديدة خوفاً من الله تعالى، فإذا سمع بذلك أهل السموات صعقوا وخرّوا لله سجداً، فيكون أول من يرفع رأسه جبريل، فيكلمه الله من وحيه بما أراد، ثم يمر جبريل على الملائكة كلما مر بسماء سألته ملائكتها ماذا قال ربنا يا جبريل؟ فيقول جبريل: قال الحق وهو العلي الكبير، قال فيقولون كلهم مثل ما قال جبريل، فينتهي جبريل بالوحي حيث أمره الله».^۱

یعنی: وقتی که خداوند متعال اراده‌ی وحی و سروش کند، آسمانها از بیم و هیبت او به شدت تکان می‌خورند، وقتی که ساکنان آسمان متوجه این لرزش شدند، بیهوش می‌شوند، و برای خدا به سجده می‌روند، و نخستین کسی که سرش را بلند می‌کند جبرئیل ψ است، و خدا Ψ با وحی خود با او سخن می‌گوید....^۲

و در معجم اوسط طبرانی با اسناد حسن از جابر τ روایت شده که رسول خدا ص فرمود: «مَرَزْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى وَجِبْرِيلُ كَالْحَلِيسِ الْبَالِي مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».^۳

یعنی: در شب معراج بر ساکنان آسمان عبور کردم، جبرئیل را دیدم که از هیبت و ترس خدا همچون گلیم فرسوده شده بود.

۱- لجامع (۲۰۶/۵)

۲- (ابن جریر و ابن خزیمه و طبرانی و ابن ابی حاتم روایت کرده اند، و این لفظ ابن ابی حاتم است).

۳- (صحيح الجامع: 206/5).

فرشته و انسان

2- سجده و کرنش فرشتگان برای آدم

چگ گگ ں ں ٹ ٹ ڈ ڈ ۛ ۛ ہ ہ ھ ھ ے چ [ص: ۷۱-]

[۷۲]

همه ی فرشتگان فرمان خدا را پذیرفتند و سجده کردند، جز ابلیس که مانند فرشتگان مأمور به سجده بود، و سجده نکرد، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

جیسے لک لکٹ و و و و و و و و [ص: ۷۳-۷۴]

یعنی: پس همه ی فرشتگان جملگی سجده کردند، جز ابلیس که تکبر ورزید، و از کافران گردید.

3- جواب دادن فرشتگان به آدم U

از ابوهریره τ روایت است که رسول خدا ص فرمود: «خداوند Ψ آدم را به صورت خود (صورتی که خود برگزید) آفرید، که طول قد او شصت ذراع بود، سپس خداوند خطاب به آدم فرمود: برو و به این چند فرشته (گروهی از فرشتگان آنجا نشسته بودند) سلام برسان و بنگر چگونه سلامت را پاسخ می دهند، همین سلام و جواب، سلام تو و فرزندان تو خواهد بود. آدم رفت و گفت: السلام علیکم، فرشتگان در جواب گفتند: «السلام علیک ورحمة الله». لفظ ورحمة الله را افزودند.^۱

۱- بخاری (۳/۱۱) شماره (۶۲۲۷) مسلم (۲۱۸۴/۴) شماره (۲۸۴۱)

4 - فرشتگان آدم را بعد از وفاتش غسل دادند

وقتی آدم ۷۰ وفات کرد، فرزندان او نمی‌دانستند با او چکار کنند، آنگاه فرشتگان آنان را تعلیم دادند. در مستدرک حاکم، و معجم طبرانی به سند صحیح از ابی‌س روایت شده که: رسول خدا ص فرمود: «لَمَّا تَوَفَّى آدَمَ غَسَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ بِالْمَاءِ وَتَرَأَوْا وَالْحَدُوا لَهُ، وَ قَالُوا هَذِهِ سَنَةُ آدَمَ فِي وَلَدِهِ»^۱.

یعنی: وقتی آدم وفات نمود، فرشتگان او را با تعداد فرد (سه یا پنج بار) غسل دادند و در قبر برایش لحد ساختند و گفتند: این سنت و شیوه ی آدم است در میان فرزندان او.

از روایات صحیح ثابت است که فرشتگان یکی از شهیدان امت محمد ص «حنظله بن ابی عامر» که در غزوه ی اُحُد به شهادت رسیده بود غسل دادند. رسول خدا ص درباره ی او فرمود: «إِنَّ صَاحِبَكُمْ تَغْسِلُهُ الْمَلَائِكَةُ»: همانا فرشتگان رفیق شما را غسل می دهند. صحابه از همسر حنظله سؤال کردند، گفت: وقتی صدای ندا دهنده ی جهاد را شنید بلافاصله از خانه بیرون رفت و در جهاد شرکت کرد، در حالی که جنب بود و هنوز غسل جنابت را انجام نداده بود. رسول خدا ص فرمود: «لِذَلِكَ غَسَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ»: (بدلیل این که جنب بود فرشتگان او را غسل دادند)^۲.

ابن عساکر با سند صحیح آورده که قبیله ی اوس افتخار می کردند که فردی که فرشتگان او را غسل دادند، از میان آنها بود.

مبحث دوم: فرشتگان و فرزندان آدم

میان فرشتگان با انسان ها پیوند محکمی برقرار است، بطوری که از زمان به دنیا آمدن فرزندان آدم فرشتگان با او همراه هستند، و وظیفه دارند بعد از وارد شدن انسان به عرصه ی زندگی از او محافظت کنند. همچنین برای انسان از جانب خدا سروش آسمانی به

۱- صحیح الجامع (۴۸/۵)

۲- بیهقی و حاکم.

ارمغان می آورند، و مراقب اعمال و سایر اوضاع و احوال انسان هستند، و هنگام فرار سیدن مرگ روحش را قبض می کنند. این موضوع را با تفصیل بیشتر توضیح خواهیم داد.

نقش فرشتگان در پیدایش انسانها

ابوذر^۱ روایت می کند: از رسول خداص شنیدم، فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ يَكْتَبُ رِزْقَهُ وَأَجَلَهُ وَعَمَلِهِ وَشَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ»^۲

یعنی: وقتی چهل روز از نطفه در شکم مادر بگذرد، خداوند فرشته ای را نزد او می فرستد، سپس فرشته صورت، چشم، گوش، پوست، گوشت و استخوان او را می سازد، آنگاه از پروردگار می پرسد: خدایا! مرد است یا زن؟ خداوند آنچه را که بخواهد حکم می کند و فرشته آن را می نویسد.

همچنین از ابن مسعود^۳ روایت است که گفت: پیامبر راستگو و به راستگویی تأیید شده فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ يَكْتَبُ رِزْقَهُ وَأَجَلَهُ وَعَمَلِهِ وَشَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ»^۴

یعنی: نطفه ای جنین هر یک از شما مدت چهل روز در رحم مادر جمع می شود، سپس تا چهل روز دیگر به پاره گوشتی تبدیل می شود. آنگاه خداوند فرشته ای را می فرستد، و روح را در او می دمد، و او را به چهار چیز دستور می دهد: به ثبت و نوشتن عمل، روزی، مرگ و شقاوت یا سعادت او.

۱- صحیح مسلم (۲۰۳۷/۴) شماره (۲۶۴۵)

۲- بخاری (۳۰۳/۶) شماره (۳۲۰۸) مسلم (۳۰۳۶/۴) شماره (۲۶۴۳)

چ ژ ژ ژ ک ک د گ گ گ گ گ گ گ گ چ [بقره: ۹۷]

یعنی: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

همچنین می‌فرماید:

چ گ گ گ گ گ گ گ گ چ [بقره: ۱۹۳-۱۹۴]

یعنی: جبرئیل آن را فرو آورده است بر قلب تو، تا از زمره ی بیم دهندگان باشی.

گاهی بندرت فرشته ای دیگر غیر از جبرئیل برای رسول خدا ص وحی می آورد. در صحیح مسلم از ابن عباس ر روایت است، در حالی که جبرئیل ۷ نزد رسول خدا ص نشسته بود، زمزمه‌ی صدایی را بالای سرش شنید، سرش را بلند کرد و گفت: این دری از آسمان است که امروز باز شد و تاکنون باز نشده است. آنگاه فرشته ای از آن فرود آمد، و فرمود: این فرشته ای است که به زمین فرود آمده است، و تاکنون هرگز فرود نیامده است. فرشته به رسول خدا ص سلام کرد و گفت: بشارت دو نور و روشنی را برای تو تبریک می‌گویم. و هیچ پیامبری قبل از تو موفق به دریافت این دو نور نشده است. یکی سوره‌ی فاتحه، و دوم آیه های آخر سوره‌ی بقره، هر حرفی را که بخوانی دعایت با آن قبول خواهد شد.^۱

۱- صحیح مسلم (۵۵۴/۱) شماره (۸۰۶)

در تاریخ ابن عساکر از حذیفه س روایت است که رسول خدا ص فرمود: فرشته ای آمد و سلام کرد. این فرشته قبلاً نیامده بود، به من بشارت داد که حسن و حسین سردار جوانان بهشت، و فاطمه سردار بانوان بهشت است.^۱

همچنین حذیفه ۲ روایت می کند که: رسول خدا ص فرمود: آیا چیزی که چند لحظه قبل در اُفق آسمان نمودار شد را دیدید؟ عرض کردم: آری، گفت: او فرشته ای بود، که پیش از امشب هرگز به طرف زمین فرود نیامده است. از پروردگارش اجازه خواسته بود تا به من سلام گوید، و به من بشارت دهد که حسن و حسین سردار جوانان بهشت هستند، و فاطمه سردار بانوان بهشت است.^۲

و در المسند و سنن ترمذی با سند صحیح از ابی بن کعب س روایت شده است که رسول خدا ص فرمود: «إِنَّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَتَيَانِي، فَقَعَدَ جِبْرِيلُ عَنْ يَمِينِي وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي، فَقَالَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اقْرَأِ الْقُرْآنَ عَلَى حَرْفٍ، قَالَ مِيكَائِيلُ: اسْتَرِدُّهُ، اسْتَرِدُّهُ، حَتَّى بَلَغَ سَبْعَةَ أَحْرُفٍ، فَكُلُّ حَرْفٍ شَافٍ كَافٍ»^۳

یعنی: جبرئیل و میکائیل نزد من آمدند، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ من نشستند. جبرئیل گفت: ای محمد! قرآن را با یک حرف (لهجه) بخوان. میکائیل گفت: درخواست افزایش کن. گفت: با سه لهجه بخوان، گفتم: برایم زیاد کن. تا هفت لهجه، گفت: با هفت لهجه قرائت کن، همه کافی و شافی هستند.

۱- هر کس که فرشته ای نزد او بیاید پیامبر نیست

۱- صحیح الجامع (۸۰/۱)

۲- مسند احمد (۳۹۱/۵) و صحیح سنن نسائی (۲۶۶/۳) شماره (۲۹۷۵)

۳- چیزی که ما در اینجا گفتیم مبنی بر اینکه فرشتگان سفیران خدا بسوی مردم، و حامل سروش به پیامبرانند، از معنای لغوی واژه ی ملک روشن است؛ چون اصل ملک اَلک و مالک است، و مَأَلک بمعنی رسالت است، و مَلَک از آن اشتقاق یافته اند، چون پیامبر خدا هستند، بعضی هم گفته اند: (ل أ ک) اشتقاق یافته و مَلَک رسالت است، و مَلَک هم همان ملک هست؛ چون فرمان خداوند را ابلاغ می کند، و هرکدام از فرشتگان که متولی اموری سیاسی باشد مَلَک نامیده می شود، و از میان بشر مَلَک نامیده می شود. (بصائر ذوی التمیز ۵۲۴/۴)

هر شخصی که فرشته ای نزد او بیاید، پیامبر محسوب نمی شود، و این دیدگاه که فرشته تنها نزد پیامبران رفته توهمی بیش نیست. خداوند متعال جبرئیل را نزد مریم علیها السلام فرستاد، همانطور که او را (جبرئیل) نزد مادر اسماعیل و فرستاد که آب و غذایش تمام شده بود. و نیز بسیاری از صحابه، جبرئیل و را بصورت یک مرد بادیه نشین دیده اند.

همچنین خداوند فرشته ای را نزد مردی فرستاد که به خاطر رضای خدا به زیارت برادر دینی اش رفت، و فرشته او را بشارت داد که خداوند، بخاطر محبت او با برادر دینی خود، او را دوست دارد.

۲- چگونه وحی بر رسول خدا ص نازل می شد؟

حضرت عایشه ب چنین روایت می کند: حارث بن هشام از رسول خدا ص پرسید: چگونه وحی بر تو نازل می شد؟

رسول خدا ص فرمود:

«أَحْيَانًا يَأْتِينِي مِثْلُ صَلْصَلَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ أَشَدُّ عَلَيَّ فَيُفْصِمُ عَنِّي وَقَدْ وَعَيْتُ عَنْهُ مَا قَالَ وَأَحْيَانًا يَتَمَثَّلُ لِي الْمَلَكُ رَجُلًا فَيَكَلِّمُنِي فَأَعِي مَا يَقُولُ»^۱

یعنی: گاهی مانند صدای زنگ بود که آن را دریافت می کردم، و این نوع سروش بسیار برایم مشکل است، و بیهوش می شوم، و بعد از اینکه به هوش می آیم و وحی خاتمه می یابد، من آن را فراگرفته ام. گاهی فرشته بصورت یک انسان نزد من می آید، با من سخن می گوید و آنچه را که به من می گوید، بخاطر می سپارم.

بنابر این جبرئیل به صورت فرشته می آمد و در حالت فرشته بودن با او ارتباط برقرار می کرد، و این نوع وحی بر رسول خدا ص بسیار سخت می بود.

۱- صحیح بخاری (۱۸/۱) شماره (۲)

۳- وظیفه جبرئیل تنها رساندن وحی نبود.

مأموریت جبرئیل \mathcal{U} تنها رساندن وحی از جانب خداوند متعال نبود؛ زیرا هر سال در همه ی شبهای ماه رمضان، نزد رسول خدا \mathcal{V} می آمد و قرآن را به ایشان درس می داد و تکرار می کرد.

ابن عباس \mathcal{M} می گوید: پیامبر \mathcal{V} سخی ترین مردم بود، و سخاوتش در ماه مبارک رمضان زمانی که جبرئیل نزد او می آمد به اوج می رسید، و جبرئیل \mathcal{U} در هر شب رمضان به ملاقاتش می آمد و قرآن را به او یاد می داد، پس پیامبر \mathcal{V} از باد سخی تر بود. (یعنی: سخاوت و بخشش او مانند باد به همه می رسید).^۱

۴- امامت جبرئیل برای رسول خدا \mathcal{V}

جبرئیل \mathcal{U} به خاطر آموختن نماز به رسول خدا \mathcal{V} آنگونه که خداوند می خواست، برای ایشان امامت نماز کرده است. ابن مسعود \mathcal{T} روایت می کند که: رسول خدا \mathcal{V} فرمود: «جبرئیل \mathcal{U} فرود آمد و برای من امامت کرد و همراه او نماز اقامه کردم، سپس همراه او نماز اقامه کردم، سپس همراه او نماز اقامه کردم، ...» با انگشتانش پنج مرتبه را حساب کرد.^۲

ابن عباس \mathcal{T} روایت می کند که: پیامبر خدا \mathcal{V} فرمود: «جبرئیل \mathcal{U} نزد مسجد الحرام کنار خانه ی کعبه دو مرتبه برایم امامت کرد. موقع زوال آفتاب برای نماز ظهر جلو رفت، و هنگامی که سایه ی هر چیز دو برابر آن شد برای نماز عصر ایستاد، و موقع غروب آنگاه که روزه دار افطار می کند نماز مغرب را امامت نمود، و زمانی که شفق آسمان ناپدید شد نماز عشاء را امامت کرد، و موقع طلوع صبح برای نماز جلو ایستاد، سپس هوا روشن شد.

۱- بخاری (۳۰/۱) شماره (۶)

۲- بخاری (۳۰/۶) شماره (۳۲۲۱) نسایی (۱۰۸/۱) شماره (۴۸۰)

روز بعد نماز ظهر را هنگامی به جای آورد که سایه‌ی هر چیز یک برابر شده بود، و نماز عصر را زمانی بر پا داشت که سایه‌ی هر چیز دو برابر شده بود، و نماز مغرب را موقع افطار و نماز عشاء را بعد از یک سوم شب، و نماز فجر را زمانی که هوا روشن شد به جای آورد، سپس به من نگاه کرد و فرمود: ای محمد! این وقت نماز پیامبران گذشته است، و وقت نماز بین این دو وقت است.^۱

نه تنها نماز و اوقات نمازها را به صورت عملی به او آموزش داد، بلکه روش وضو را هم به او آموخت. در مستدرک حاکم از زید بن حارثه س روایت است که: رسول خدا ص فرمود: «جبرئیل در ابتدای دوران نازل شدن وحی نزد من آمد و وضو و نماز را به من آموزش داد...»

۵- دعا خواندن جبرئیل بر رسول خدا ص

ابو سعید خدری س روایت می کند: جبرئیل نزد رسول خدا ص آمد و عرض کرد: ای محمد! آیا بیمار شده‌ای؟ فرمود: آری. جبرئیل گفت: «بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ وَ اللَّهُ يَشْفِيكَ»^۲

یعنی به نام خداوند از هر چیز مودی تو را پناه می دهم، از بدی هر موجود زنده، و از چشم هر حسودی، خداوند تو را شفا دهد، بنام خدا تو را پناه می دهم، خدا شفایت دهد.

۶- همراه شدن با رسول خدا ص

از کارهای دیگر جبرئیل این بود که در غزوه‌ی بدر و خندق همراه رسول خدا ص با کفار جنگیده است. همچنین در سفر اسراء و معراج او را همراهی کرده است.

۷- تحریک انگیزه های نیکی در دل بندگان

خداوند متعال همراه هر انسانی یک فرشته و یک جن قرار داده. از ابن مسعود س روایت شده که رسول خدا ص فرمود:

۱- صحیح سنن ابی داود (۷۹/۱) شماره (۳۳۷)

۲- مسلم (۱۷۱۸/۴) شماره (۲۱۸۶)

انفاق می‌ترساند و) وعده تهیدستی می‌دهد و شما را به انجام گناه دستور می‌دهد، ولی خداوند به شما وعده آمرزش خویش و فزونی (نعمت) می‌دهد. و خداوند (فضل و مرحمتش) وسیع (و از همه چیز) آگاه است.

ابن کثیر پس از بیان این حدیث گفته: «ترمذی و نسایی این حدیث را در کتاب التفسیر سنن خود از هناد بن سری روایت کرده اند، و ترمذی گفت: این حدیث حسن و غریب است، و حدیث ابی الأحوص یعنی: سلام بن سلیم است...».

به حدیث بعدی توجه کن تا با نحوه‌ی رقابت جن و فرشته ای که همراه انسان هستند در کشاندن انسان بسوی خود، آشنا شوی. حافظ ابو موسی از حدیث ابو زبیر، و او از جابر τ نقل کرده و می‌گوید: رسول خدا ص فرمود: هر گاه انسان برای خواب به رختخواب برود، یک فرشته و یک شیطان شتابان به نزد او روند. فرشته می‌گوید: سرانجام روز تو به نیکی باشد و شیطان می‌گوید: سرانجام روز تو بد باشد. اگر این انسان لحظات قبل از خواب را به یاد و ذکر خدا سپری کند تا اینکه خواب بر او غلبه کند و چشم هایش بسته شوند، فرشته شیطان را از آنجا می‌راند، و در طول شب او را محافظت می‌کند.

هرگاه انسان بیدار شد، یک فرشته و یک شیطان شتابان نزد او می‌روند. فرشته می‌گوید: روز خود را به خیر و نیکی آغاز کن، و شیطان می‌گوید: روزت را با بدی و گناه آغاز کن. اگر انسان بعد از بیدار شدن این دعا بخواند:

«الحمد لله الذي أحيا نفسي بعد ما أماتها و لم يميتها منامها، الحمد لله الذي يمسك التي قضى عليها الموت، و يرسل الأخرى إلى أجل مسمى،.. الخ» فرشته شیطان را می‌راند و در طول روز او را محافظت می‌کند.

یعنی: خداوند را سپاس می‌گویم که مرا بعد از مردن (خواب) زنده کرد، و در خواب نمیراند. خداوند را سپاس که آن کس را که اجلش فرا رسیده، و آن که اجلش فرا نرسیده را تا وقت اجل مهلت می‌دهد. سپس خدا را سپاس می‌گویم که زمین و آسمان را نگه داشته، اگر زمین و آسمان از جای خود حرکت کنند، جز خداوند هیچ کس آنها را نمی‌

تواند نگاه دارد. خدا را سپاس بخاطر اینکه آسمان را از افتادن بر روی زمین نگاه می دارد.

آنگاه فرشته شیطان را طرد می کند، و از آن انسان محافظت می کند.^۱

این روایات ما را به انجام کارهای نیک که موجب اصلاح دل، و نزدیک شدن به فرشته می شوند تشویق می کنند؛ زیرا نزدیک شدن به فرشتگان فواید زیادی را به ارمغان دارد، همانگونه که در حدیث آمده است: «رسول خدا ص با سخاوتمندترین انسان بود، و در رمضان و موقع دیدار جبرئیل بیش از هر وقت سخاوتمند بود...» بیان گر تأثیر دیدار رسول خدا ص با جبرئیل است که در ماه رمضان به منظور تعلیم قرآن نزد ایشان می آمد.

۸- ثبت اعمال نیک و بد انسانها

فرشتگان موظف به حفظ اعمال نیک و بد انسانها هستند. در این آیه بدان اشاره شده است:

چ چ چ ی ی ت ت ت ت ت چ [نفسار: ۱۰-۱۲]

یعنی: بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده اند. نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می نویسند.

خداوند بر هر انسانی دو فرشته‌ی حاضر را گماشته است. که هرگز از انسان جدا نمی شوند، و ناظر بر رفتار و اعمال انسان هستند، همانگونه که می فرماید:

۱- محقق کتاب «الوابل الصیب» در تعلیقش بر این حدیث گفته: «ابن حبان این روایت را با معنی نقل کرده، به شماره ۲۳۶۲ موارد» امام حاکم آن را در «۵۴۸/۱» روایت کرده، و آن را صحیح دانسته، و امام ذهبی با او موافق است، و رجال آن ثقة است. همچنین هیثمی در مجمع الزوائد (۱۲۰/۱۰) آن را نقل کرده، و گفته: ابویعلی آن را روایت کرده، و رجال آن رجال صحیح است جز ابراهیم شامی که ثقة است.

(من (نویسنده) هم می گویم: نام این راوی ابراهیم بن حجاج شامی با سین بی نقطه درست است نه شامی.

یعنی: ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که در خاطرش چه می‌گذرد و چه اندیشه‌ای در سر دارد، و ما از شاه‌رگ گردن بدو نزدیک‌تریم. بدانگاه که دو فرشته‌ای که در سمت راست و چپ انسان نشسته‌اند و اعمال او را دریافت می‌دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند مگر این که فرشته‌ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است.

به ظاهر چنین معلوم می شود که فرشتگان گماشته شده بر انسان، هر سخن و رفتار آدمی را می نویسند و هیچ چیزی را رها نمی نمایند. خداوند می فرماید: «فَ ق ف» هر سخن، که از زبان بیرون بیاید.

چ ڈ ڈ ڈ ز ژ ر ژ ک ی ک گ گ گ گ گ گ گ

ج [کھف: ۴۹]

بلال بن حارث مزنی ۛ روایت می کند که: رسول خدا ص فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنَّهَا تَبْلُغُ مَا بَلَغَتْ يَكْتُوبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ

، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُنَكَّلُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ ، فَيَكْتُئِبُ اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ سَخَطُهُ إِلَى يَوْمٍ يُلْقَاهُ^۱

یعنی: گاهی انسان یک کلمه را به خاطر رضای خدا بر زبان می آورد، و هرگز تصور نمی کند به چه مقام و جایگاهی نایل می گردد، ولی این کلمه موجب می شود که خداوند رضایت و خشنودی خود را تا روز ملاقات و دیدار برایش بنویسد، و گاهی یک کلمه را در ناخشنودی خدا بر زبان می آورد، گمان نمی کند به چنین فرجام بدی برسد، خدا ناخشنودی و خشم خود را تا روز ملاقات برایش می نویسد.

علقمه (یکی از راویان) می گوید: حدیث بلال موجب شد که از گفتن چندین سخن خودداری کنم.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انسان سخنی می گوید که مورد رضایت پروردگار است، ولی به آن اهمیت نمی دهد و ارزشی برای آن قائل نمی شود. اما خداوند بر اثر همین سخن، رتبه ای او را می افزاید، و انسان سخنی که مورد ناخشنودی پروردگار است، می گوید و به گناه بودن آن توجه ندارد، یعنی آن را گناه تلقی نمی کند، اما همین سخن او را به قعر دوزخ می اندازد.^۲

ابن کثیر در تفسیرش آورده که: از حسن بصری پس از تلاوت آیه:

چَدْ ثْ ثْ ثْ اَظْهَارَ دَاشَتْ: ای فرزند آدم، نامه اعمالی برای تو مشخص شده است، دو فرشته گرامی بر تو گماشته شده است. یکی در سمت راست تو و دیگری در سمت چپ قرار دارد. آنکه در سمت راست قرار دارد، اعمال نیک را ثبت می کند، و فرشته ای سمت چپ مراقب اعمال بد است. هر چه می خواهی بکن، کم یا زیاد، وقتی

۱- ترمذی، نسایی و ابن ماجه روایت کرده و ترمذی گفته: حسن و صحیح است.

۲- بخاری (۳۸۰/۱۱) شماره (۶۴۷۸).

۹- فرشته‌ی راست نیکی‌ها، و فرشته‌ی چپ بدی‌ها را می‌نویسد

در معجم طبرانی کبیر با سند حسن از ابوامامه روایت است که رسول خدا ص فرمود: فرشته‌ی سمت چپ شش ساعت قلم را از نوشتن اعمال انسان خطاکار باز می‌دارد، اگر انسان خطاکار در این مدت پشیمان شده و از خداوند آمرزش طلب کرد، فرشته آنها را می‌اندازد، و در غیر این صورت یک بدی در نامه‌ی اعمال او می‌نویسد.

آیا فرشتگان اعمال دلها را نیز می‌نویسند؟

شارح عقیده‌ی طحاویه با استدلال به آیه‌ی چَ ڙ ڙ ڙ می‌گوید: فرشتگان اعمال قلب‌ها را نیز می‌نویسند، و آیه شامل افعال ظاهر و باطن است.

همچنین به حدیث صحیحی استدلال کرده که رسول خدا ص فرمود: خداوند می‌فرماید: هرگاه بنده‌ی من قصد انجام کار بدی کرد، اگر آن را انجام داد یک بدی برایش ثبت کنید، و اگر قصد انجام عمل نیکی کرد، (تنها به قصد انجام آن) یک نیکی برایش بنویسید، اگر آن را عملی کرد، ده برابر آن را برایش بنویسید.^۱

در حدیثی دیگر ابوهریره ؓ چنین روایت می‌کند: رسول خدا ص فرمود: فرشته می‌گوید: پروردگارا! این بنده‌ی توست. قصد انجام عمل بد را دارد. (خداوند بهتر می‌داند و نیازی به گفتن فرشته ندارد). خداوند می‌فرماید: او را مهلت بدهید، اگر اراده اش را عملی کرد، یک بدی برایش بنویسید و اگر آن را ترک نمود، نیکی برایش بنویسید؛ زیرا آن را بخاطر خشنودی من رها کرده است.^۲

۱- مسلم (۱۱۷/۱) شماره (۱۲۸)

۲- مسلم (۱۱۷/۱) شماره (۱۲۹) و بخاری (۴۶۵/۱۳) شماره (۷۵۰۱)

یک اشکال و جواب آن

آیا علم فرشتگان نسبت به اراده و نیت انسان با این گفتار خداوند در تضاد نیست؟

چ چ چ چ چ چ چ [غافر: ۱۹]

یعنی: خداوند از دزدانه نگاه کردن چشمها و از رازی که سینه‌ها در خود پنهان می‌دارند، آگاه است.

پاسخ: خیر، زیرا این از ویژگیهای علم خداوند نیست، و اسرار پنهان در دلها اگر چه از انسانها پنهان و پوشیده هستند، هیچ کس نمی‌داند که در سینه‌ی برادرش چه نیتی نهفته است. ولی این امر بیانگر این نیست که از فرشتگان نیز نهفته باشد.

حتی بعضی می‌گویند: فرشتگان از بعضی اسرار نهفته در دلها خبر دارند که همان اراده و قصد است، البته، در مورد بقیه‌ی امور همچون عقاید، دلیلی بر اینکه فرشتگان آن را بدانند وجود ندارد.

۱۰- دعوت کردن بندگان بسوی انجام اعمال نیکو

ابوهریره ؓ روایت می‌کند که: رسول خدا ص فرمود: هر روز که انسانها صبح می‌کنند، دو فرشته از آسمان فرود می‌آیند، یکی می‌گوید: «اللَّهُمَّ اعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا، وَأَعْطِ مُنْسِكًا تَلَفًا» یعنی: پروردگارا! هر کس برای خشنودی تو انفاق کند، در عوض به او بده، و دیگری می‌گوید: پروردگارا! هر کس از انفاق در راه تو خودداری کند، مالش را ضایع بگردان.^۱

ابن حجر در شرح این حدیث روایت دیگری از ابو درداء را نقل کرده که در آن آمده است:

«ما من يوم طلعت شمسه إلا وكل بجنتيها ملكان يناديان نداء يسمعه خلق الله كلهم إلا الثقلين: يا أيها الناس هلموا إلى ربكم إن ما قلّ وكفى خير مما كثر وألهي، ولا أبت

۱- بخاری (۳۰۴/۳) شماره (۱۴۴۲). مسلم (۷۰۰۲) شماره (۱۰۱۰)

شمسه إلا وکل بجنبتيها ملکان ینادیان نداء یسمعه خلق الله کلهم غیر الثقلین: اللهم أعط منفقاً خلفاً، وأعط ممسكاً تلفاً».

یعنی: هر روز که خورشید طلوع می کند، دو فرشته فریاد سر می دهند: ای مردم! بسوی پروردگارتان بشتابید، روزی اندک و مقدار کافی از اموال زیاد بهتر است، و هنگام غروب آفتاب دوباره آن دو فرشته ندا می دهند، و این صدا را جز انسان و جن همه ی مخلوقات می شنوند، سپس می گویند: خدایا! هر کس برای خشنودی تو انفاق کند، در عوض به او بده و.... تا آخر حدیث قبل.

۱۱- آزمایش انسان

خداوند بعضی از فرشتگان را برای آزمایش بندگانش می فرستد. ابوهریره ؓ روایت می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می خواست سه نفر از بنی اسرائیل را که یکی بیماری پیسی داشت و دیگری، کچل بود و سومی نابینا، مورد آزمایش قرار دهد. از این رو فرشته ای بسوی آنان فرستاد. فرشته نزد فرد پیسی آمد و گفت: محبوب ترین چیز نزد تو چیست؟ گفت: رنگ زیبا، و پوست زیبا، زیرا مردم از من نفرت دارند. فرشته دستی بر او کشید، و بیماری بر طرف شد. و رنگ و پوستی زیبا به او داده شد.

آنگاه فرشته پرسید: چه مالی را بیشتر دوست داری؟ گفت: شتر. پس به او شتر آبستنی داده شد. و گفت: خداوند آن را برایت با برکت بگرداند.

سپس فرشته نزد کچل آمد و گفت: محبوب ترین چیز نزد تو چیست؟ گفت: موی زیبا تا این حالت برطرف شود؛ زیرا مردم از من نفرت دارند. فرشته دستی بر سرش کشید، در نتیجه بیماریش برطرف گردید و موی بسیار زیبا به او داده شد، باز فرشته از او سؤال کرد: چه مالی را بهتر دوست داری؟ گفت: گاو، گاوی آبستن به او داده شد و فرشته برایش دعای برکت کرد که خداوند این گاو را برایش مبارک گرداند.

بعد نزد نفر سوم آمد که نابینا بود. از او پرسید: چه چیزی را بهتر دوست داری؟ گفت: این را که خداوند بینایی مرا برگرداند و مردم را با چشم خود بینم. فرشته دستش را بر

روی چشمانش کشید و خداوند بینایی‌اش را برگرداند. سؤال کرد: چه مالی را بهتر می‌پسندی؟ گفت: گوسفند، گوسفندی که آبستن بود به او داده شد و برایش دعای برکت کرد.

این گاو، شتر و گوسفند زاد و ولد کردند، هر کدام دارای گله‌ی بزرگی از گاو، گوسفند و شتر شدند.

فرشته در شکل و صورت انسان مبتلا به بیماری برص نزد نفر اول آمد و گفت: انسان ناتوانی هستم و در این سفر تمام اموال و متاع را از دست داده‌ام، امروز جز خداوند چیزی ندارم. تو را به همان خدایی که صورت و رنگ زیبا و مال به تو داده، به حال زار من رحم کن، و شتری را به من بده که مرا به مقصد برساند. آن مرد گفت: مصرفم زیاد است. فرشته گفت: مثل اینکه تو را می‌شناسم، آیا تو جذام داری نبودی که مردم از تو نفرت می‌کردند؟ تو فقیر نبودی که خداوند به تو مال داده است؟ آن مرد گفت: خیر، کسی این مال را به من نداده است، این مال به صورت ارث از اجدادم به من رسیده است. فرشته گفت: اگر دروغ می‌گوئی، خداوند تو را به حالت اول برگرداند.

سپس با قیافه و شکل انسان نزد مرد کچل رفت. و آنچه را که به مرد اول گفته بود با او در میان گذاشت، و همان پاسخ مرد اول را از او هم دریافت کرد. فرشته گفت: اگر دروغ می‌گوئی، خداوند تو را به حالت اول برگرداند.

در پایان نزد نابینا رفت و گفت: انسان مسافری هستم و در راه سفر گرفتار و بی بضاعت مانده‌ام و نمی‌توانم به محل سکونت برگردم. تو را خدایی که بینایی را به تو برگرداند یک گوسفند به من بده. گفت: از این گله گوسفند هر اندازه که لازم داری بردار، و به خدا سوگند اگر تمام گوسفندان را برداری، مانع تو نخواهم شد. فرشته گفت: مال خودت مبارکت باد. خداوند خواست شما را امتحان کند، بی تردید خداوند از تو خشنود است و از دو رفیق دیگر تو ناخشنود و خشمگین است.^۱

۱- بخاری (۵۰۰/۶) شماره (۳۴۶۴). مسلم (۲۲۷۵/۴) شماره (۲۹۶۴)

قرآن می فرماید:

و می فرماید:

و فرمود:

۱۳- مژده به مؤمنان هنگام مرگ

استقبال می کنند. اسرافیل در صور می دمدم و انسانها را برای حساب در محشر جمع می کند. اهل دوزخ را به دوزخ، و اهل بهشت را به بهشت سوق می دهند، و در دوزخ اهل دوزخ را عذاب می دهند و در بهشت به ساکنان آن سلام می گویند.

مبحث سوم: فرشتگان و مؤمنان

نقش فرشتگان در قبال مؤمنان

در مبحث گذشته از نقش فرشتگان در ارتباط با تمام فرزندان آدم، از قبیل مؤمن و کافر و وظایف فرشتگان مانند: شکل دادن نطفه، حراست و مراقبت از بندگان، رساندن وحی، نوشتن و ثبت اعمال و قبض ارواح، سخن گفتیم که شامل کافر و مؤمن بود.

علاوه بر این، فرشتگان نقش های گوناگونی در ارتباط با مؤمنان و کافران دارند. در اینجا نقش آنان را نسبت هر دو گروه مؤمن و کافر مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

1- محبت و دوست داشتن مؤمنان

ابوهریره ت می گوید: رسول خدا ص فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا نَادَى جِبْرِيلَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَجِبْهُ فَيُحِبُّهُ جِبْرِيلُ فَيُنَادِي جِبْرِيلُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَجِبُوهُ فَيُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ»^۱.

یعنی: هرگاه خداوند بنده ای را دوست داشته باشد، به جبرئیل می فرماید: خداوند فلان بنده را دوست دارد تو نیز ای جبرئیل! او را دوست بدار. جبرئیل نیز او را دوست می دارد و در میان تمام اهل آسمان صدا می زند: خداوند فلانی را دوست دارد، شما نیز او را دوست بدارید. آنگاه اهل آسمان نیز با وی محبت خواهند کرد و بعد مقبولیت و محبت او در دل اهل زمین انداخته می شود.

2- راهنمایی مؤمن

۱- صحیح بخاری (۳۰۳/۶) شماره (۳۲۰۹)، صحیح مسلم (۲۰۳۰/۴) شماره (۲۶۳۷)

امام ترمذی و ابن ماجه روايت کرده اند که رسول خدا ص فرمود: «**مَنْ سَأَلَ الْقَضَاءَ وَاسْتَعَانَ عَلَيْهِ وَكَلَّ إِلَيْهِ، وَمَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَلَمْ يَسْتَعِنْ عَلَيْهِ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَلَكًا يَسُدُّهُ**». یعنی: هرکس درخواست مقام قضاوت کند، به خود واگذار می شود، و هر کس ناچار به پذیرش آن مقام شود، خداوند متعال فرشته ای را بر او فرود می آورد و او را به مسیر درست راهنمایی می کند.

اما در مورد چگونگی این راهنمایی خداوند متعال داناترست.

و در همین رابطه ابوهریره τ می گوید: رسول خدا ص فرمود: حضرت سلیمان \cup گفت: امشب با صد نفر از همسرانم همبستر می شوم، و از هر خانمی جوانی متولد می شود و با دشمنان خداوند جهاد می کند. فرشته به او گفت: بگو: «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» اما سلیمان از روی فراموشی «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» نگفت. عمل مقاربت را انجام داد و تنها از یک خانم بچه ی ناقصی متولد شد. رسول خدا ص فرمود: اگر حضرت سلیمان «ان شاء الله» می گفت: سوگندش شکسته نمی شد و آرزویش بهتر برآورده می شد.^۱

آری، فرشته پیام آور خدا حضرت سلیمان را به راه درست و بهتر راهنمایی کرد.

همچنین حسان بن ثابت τ می گوید: رسول خدا ص برای حسان دعا کرد و فرمود: پروردگارا! حسان را بوسیله جبرئیل (روح القدس) نیرومند و قوی بگردان.^۲

3- درود و دعا برای مؤمن

خداوند به ما خبر داده است که فرشتگان به رسول خدا ص درود می گویند:

﴿چ چ چ چ چ چ چ چ چ چ﴾ [احزاب: ۵۶]

۱- بخاری (۳۳۹/۹) شماره (۵۲۲۴)

۲- صحیح بخاری (۳۰۴/۶)

یعنی: خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و چنان که باید سلام بگویید.

چ [احزاب: ۴۳] □ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □

امام بخاری به نقل از ابوالعالیه می گوید: «درود از جانب خداوند ستایش بنده است نزد فرشتگان»، برخی گفته اند: درود از جانب خدا رحمت است، و برخی دیگر گفته اند: هیچ تضادی بین این دو دیدگاه نیست. اما درود فرشتگان دعا و طلب عفو و مغفرت برای انسانهاست، که تفصیل آن جلوتر خواهد آمد.

چند نمونه از کارهایی که فرشتگان برای صاحبانش دعا می کنند

۱- آموزنده‌ی عمل نیک به مردم

ابوامامه روایت می کند که رسول خدا ص فرمود: «خداوند و فرشتگان او، و اهل آسمانها و زمین و حتی مورچه ها در لانه های خود، و ماهی ها در دریا بر کسی که خیر و نیکی را به مردم یاد می دهند درود می فرستند (دعای مغفرت می کنند).^۱

۲- کسانی که برای نماز به مساجد می روند

ابوهریره ر می گوید: رسول خدا ص فرمود: تا زمانی که شما در نماز هستید و منتظر نماز جماعت می باشید، فرشتگان برای شما درود می فرستند و دعای مغفرت می کنند و می گویند: خدایا! او را مورد مغفرت و رحمت قرار بده.^۲

۳- کسانی که در صف اول نماز می خوانند

براء بن عازب ر می گوید: که رسول خدا ص فرمود: خداوند و فرشتگان او برای کسانی که در صف اول نماز هستند درود می فرستند.^۳

در سنن نسایی بجای صف اوّل صف مقدم آمده است.

۴- کسانی که بعد از نماز در محل نماز می مانند

ابوداود در سنن خود، و نسائی با سند صحیح از ابوهریره ر روایت کرده که رسول خدا ص فرمود: «فرشتگان برای هر کدام از شما درود می فرستند و دعای مغفرت می کنند تا وقتی که در محل نماز می مانید، و تا زمانی که وضویش باطل نشود یا از آنجا برنخیزد».^۴

۵- برای کسانی که فاصله ی میان صف نماز را پر می کنند

۱- ترمذی (۳۴۳/۲) شماره (۲۱۶۱). و صحیح الجامع (۱۳۳/۲)

۲- مسلم (۴۵۹/۱) شماره (۶۴۹).

۳- سنن ابی داود (۱۳۰/۱) شماره (۶۱۸).

۴- صحیح الجامع (۲۱/۶)

عایشه ب می گوید: رسول خدا ص فرمود: «خداوند و فرشتگانش برای کسانی که صفهای نماز جماعت را به هم وصل می کنند درود می فرستند، و هرکس روزنه ای را پر کند، خداوند مقام و منزلت او را یک درجه بالا می برد»^۱.

۶- برای کسانی که سحر خیزند

عبدالله بن عمر م روایت کرده که رسول خدا ص فرمود: «خداوند و فرشتگانش برای سحر خیزان درود می فرستند»^۲.

۷- برای کسانی که بر پیامبر ص درود می فرستند

عامر بن ربیعہ روایت می کند که رسول خدا ص فرمود: «هر مؤمنی که برای من درود بفرستد، تا زمانی که در حال فرستادن درود است، فرشتگان بر او درود می فرستند (یعنی دعای مغفرت می کنند) بنده اختیار دارد، زیاد درود بخواند یا کم»^۳.

۸- برای کسانی که به عیادت و احوالپرسی بیماران می روند

علی بن ابی طالب ع نقل می کند که رسول خدا ص فرمود: «هر مسلمانی که در وقت روز بیماری را احوالپرسی کند، خداوند در طول آن روز هفتاد هزار فرشته را برای درود فرستادن بر او بر می گزیند، و اگر شب به عیادت بیمار برود آن شب تا صبح برایش درود می فرستند و دعا می کنند»^۴.

و در روایت ابوداود و حاکم آمده است: «هر مردی شامگاه بیماری را عیادت کند، هفتاد هزار فرشته همراه با او بیرون شده و تا صبح برایش طلب مغفرت می کنند، و کسی که صبحگاه به عیادت بیمار برود، تا شب هفتاد هزار فرشته با او خارج می شوند و برایش طلب مغفرت می کنند».

۱- سنن ابن ماجه (۱/۱۶۴) شماره (۸۱۴)

۲- صحیح الجامع (۲/۱۳۵)

۳- صحیح الجامع (۵/۱۷۴)

۴- ابی داود (۲/۵۹۸) شماره (۲۶۴۵). صحیح الجامع (۵/۱۵۹)

آیا درود فرشتگان برای ما تاثیری دارد؟

خداوند می فرماید:

چ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □ [احزاب: ۴۳]

یعنی: او کسی است که به شما عنایت و مرحمت می کند، و فرشتگانش برای شما تقاضای بخشش و آمرزش می نمایند، تا یزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعای فرشتگان) شما را از تاریکیهای (کفر و گمراهی) بیرون آورد و به نور (ایمان و هدایت) برساند.

مفهوم آیه بیانگر این مطلب است که ذکر ما از جانب خداوند متعال در میان ساکنان آسمان، و دعای فرشتگان برای مؤمنان، و طلب بخشش و مغفرت از خدا برای ایشان، نقش بسیار ارزنده و مثبتی در هدایت و نجات مؤمنان از تاریکی های کفر و شرک و گناه و نافرمانی دارد. و موجب می شود که راه درست را تشخیص دهیم، و بر حسب مراد و خواسته ی خدا عمل کنیم و به آن نور و روشنی نائل گردیم که کردار و گفتار ما را در مسیر درست هدایت می کند.

۹- آمین گفتن برای دعای مؤمنان

فرشتگان بر دعای مؤمنان آمین می گویند و این امر بیشتر موجب اجابت دعا می گردد. ابودرداء س می گوید: رسول خدا ص فرمود: «دعاء المرء المسلم مستجاب لأخيه بظهر الغيب عند رأسه ملك يؤمن على دعائه، كلما دعا لأخيه بخير قال: آمين ولك بمثله» یعنی: دعای غایبانه مسلمان در حق برادر مسلماننش قبول می شود. فرشته همراه مؤمن است، هرگاه مؤمن برای برادر مسلماننش غایبانه دعا کند، فرشته می گوید: آمین و برای تو نیز چنین شود.^۱

۱- صحیح مسلم (۲۰۹۴/۴) شماره (۲۷۳۳) و سنن ابن ماجه (۱۴۹/۲) شماره (۲۳۴۰)

۱۰- در خواست بخشش برای مؤمنان

چقفف ففف جج ججج جج جج جج جج جج جج [شوری:ه]

چے ئے کف کف کف ف و و و و و و و و و و ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی
ب ب ب ب ب ب ب ب ب ب پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ [غفر: ۷-۹]

۱- مسلم (۶۳۴/۲) شماره (۹۲۰)

می‌گویند: پروردگارا! مهربانی و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است، پس در گذر از کسانی که (از گناهان دست می‌کشند و به طاعات و عبادات می‌پردازند، و از راههای انحرافی دوری می‌گزینند و به راستای راهت) برمی‌گردند و راه تو را در پیش می‌گیرند، و آنان را از عذاب دوزخ مصون و محفوظ فرما.

پروردگارا! آنان را به باغهای همیشه ماندگار بهشتی وارد گردان که بدیشان (توسط پیغمبران) وعده داده‌ای، همراه با پدران خوب و همسران شایسته و فرزندان بایسته ایشان. قطعاً تو (بر هر چیزی) چیره و توانا و (در هر کاری) دارای فلسفه و حکمت هستی. و آنان را از بدیها نگاهدار، و تو هر که را در آن روز از کیفر بدیها نگاهداری، واقعاً بدو رحم کرده‌ای (و مورد الطاف خود قرار داده‌ای) و آن قطعاً رستگاری بزرگ و نیل به مقصود سترگی است.

۱۱- حضور در مجالس علم و ذکر و زیر بال گرفتن آنان

ابوهریره ت روایت می‌کند که رسول خدا ص فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ -، تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَيْنَا حَاجَتُكُمْ، فَيَحْفُوفُهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا...»^۱ یعنی: همانا خداوند فرشتگانی دارد که در حال گردش هستند، و کسانی را

پیدا

می‌کنند که مشغول ذکر خداوند هستند. هرگاه آنها را یافتند، همدیگر را صدا می‌کنند: بیایید بسوی هدفتمان. آنگاه فرشتگان در جمع ذاکران می‌آیند و تا آسمان دنیا آنان را زیر بال خود می‌گیرند.

ابوهریره ت می‌گوید: که رسول خدا ص فرمود: هر گاه چند نفر در یکی از خانه‌های خدا مشغول تدریس، تعلیم و یادگیری کتاب خدا باشند، آرامش بر آنان نازل می‌شود، و رحمت الهی آنان را احاطه می‌کند، و فرشتگان اطرافشان را فرا می‌گیرند و خداوند نزد

۱- بخاری (۲۰۸/۱۱) شماره (۶۴۰۸) و مسلم (۲۰۶۹/۴) شماره (۲۶۸۹).

ساکنان آسمان از آنها یاد می‌کند.^۱

از ابودرداء روایت شده که رسول خدا ص فرمود: «همانا فرشتگان بال خود را برای طالبان علم، فرش می‌کنند.^۲ یعنی فرشتگان در برابر کسانی در راه دین علم آموزی می‌کنند بسیار فروتن هستند.

بنابراین اعمال نیک - همانطور که می‌بینید - فرشتگان را به ما و ما را به آنان نزدیک می‌کنند. و اگر بندگان همواره در حالت روحی و معنوی والایی قرار داشته باشند، به درجه ای از کمال می‌رسند که فرشتگان را مشاهده و با آنها مصافحه کنند. همانگونه که از حنظله اسیدی س روایت کرده که رسول خدا ص فرمود: «اگر شما وقتی که از نزد من بیرون می‌شوید بر همین حالت باقی بمانید، قطعاً در راههای مدینه با فرشتگان ملاقات و مصافحه می‌کنید».^۳

ابوهریره ت می‌گوید: رسول خدا ص فرمود: «اگر شما همواره در حالتی بمانید که نزد من هستید، با دستهایتان با فرشتگان مصافحه خواهید کرد، و شما را در منازلتان ملاقات می‌کنند، و چنانچه مرتکب گناه نشوید، خداوند بجای شما قومی را می‌آورد که گناه کنند تا از آنها در گذرد».^۴

۱۲- ثبت نام کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند

این دسته از فرشتگان بعضی از اعمال بندگان را ثبت می‌کنند و نام کسانی را که در مراسم نماز جمعه حاضر می‌شوند به ترتیب زمان ورود ثبت می‌کنند. از ابوهریره ت روایت است که رسول خدا ص فرمود: «روز جمعه فرشتگانی، بر در ورودی هر یک از مساجد قرار دارند، و به ترتیب نام افرادی را که وارد مسجد می‌شوند ثبت می‌کنند،

۱- صحیح مسلم (۲۰۷۴/۴) شماره (۲۶۹۹)

۲- ترمذی (۳۴۲/۲) شماره (۲۱۵۹)

۳- صحیح مسلم (۲۱۰۶/۴) شماره (۲۷۵۰). صحیح الجامع: ۵۹/۵

۴- صحیح الجامع (۶۰/۵)

هرگاه امام برای خواندن خطبه نشست، پرونده ها را جمع می کنند و برای شنیدن خطبه می نشینند.^۱

همچنین سخنان نیک از بندگان را ثبت می کنند. رفاعه بن رافع زرقی می گوید: روزی پشت سر رسول خدا ص نماز می خواندیم، وقتی از رکوع بلند شد و «سمع الله لمن حمده» گفت، مردی پشت سر او گفت: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه» وقتی رسول خدا ص نماز را تمام کرد، فرمود: چه کسی این کلمات را گفت. آن مرد گفت: ای رسول خدا! من بودم. فرمود: «حدود سی و اندی فرشته را دیدم که برای نوشتن این کلمه مبادرت می کردند و از همدیگر سبقت می گرفتند». پس فرشتگان نویسنده علاوه از دو فرشته ای هستند که اعمال نیک و بد انسانها را می نویسند؛ زیرا تعدادشان سی و اندی ذکر شده است.

۱۳- فرشتگان به نوبت میان انسانها می آیند

این فرشتگان که در راه ها و معابر عمومی گشت می زنند، و دنبال یافتن مجالس ذکر هستند و در گردهمایی ها حضور پیدا می کنند، به نوبت نزد ما می آیند، گروهی می آیند و عده ای دیگر می روند. و در نماز صبح و عصر با هم جمع می شوند.

از ابوهریره ؓ روایت است که رسول خدا ص فرمود: «خداوند فرشتگانی دارد که پی در پی در میان شما رفت و آمد می کنند، گروهی مأمور شب، و برخی مأمور روز هستند، و در نماز عصر و صبح با هم جمع می شوند. سپس آنهایی که شب را با شما سپری کردند، بسوی پروردگار برمی گردند، و خداوند حالت بندگان را از آنان جویا می شود؟ جواب می دهند: در حال نماز آنان را رها کردیم و وقتی برگشتیم آنان را در حالت نماز یافتیم».^۲

۱- مشکاة المصابیح (۴۳۶/۱) شماره (۱۳۸۴)

۲- بخاری (۳۰۶/۶) شماره (۳۲۲۳). مسلم (۴۳۹/۱) شماره (۶۳۲)

یحیی که به مکان اسب نزدیک بود در زیر پای اسب لگدمال شود، دوباره چیزی شبیه ابر دیدم که چیزهایی همچون چراغ در آن وجود داشت و در فضا آویخته بود که هرگز ندیده ام، رسول خدا ص فرمود: «تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ كَانَتْ تَسْتَمِعُ لَكَ وَلَوْ قَرَأْتَ لِأَصْبَحَتْ يَرَاهَا النَّاسُ مَا تَسْتَتِرُ مِنْهُمْ». یعنی: آنها فرشته هایی بودند که به قرآن خواندن تو گوش فرا می دادند، اگر به خواندن قرآن ادامه میدادی تا صبح گوش فرا می دادند و مردم آنها را می دیدند که اکنون پنهان هستند.^۱

و در صحیح مسلم از براء بن عازب روایت است: شخصی سوره ی کهف را تلاوت می کرد، در خانه او حیوانی بود که شروع به حرکت کرد و دست و پا می زد. معلوم شد که چیزی مانند مه یا ابر خانه را پوشانیده. آن شخص جریان را به عرض رسول خدا ص رسانید. ایشان فرمود: ای فلان بخوان آنچه که صورت گرفت، سکینه و آرامش بود که موقع تلاوت قرآن، نازل می شد.^۲

۱۵- سلام امت را به پیامبر ص می رسانند

عبدالله بن مسعود ر نقل می کند که رسول خدا ص فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي عَنْ أُمَّتِي السَّلَامَ» یعنی: همانا خداوند فرشتگانی دارد که در زمین به سیاحت مشغول اند، سلام های امت را به من می رسانند.^۳

در معجم طبرانی کبیر با سند حسن از عمار بن یاسر روایت شده که رسول خدا ص فرمود: «واقعاً خداوند متعال فرشته ای دارد که به او چنان قدرتی داده که صدای بندگان را بشنود، و هر کس بر من درود بفرستد، به من می رسد، و من از خداوند درخواست کرده ام در مقابل هر درودی که بر من فرستاده می شود ده برابرش بر آنها درود بفرست».

۱۶- مؤمنان را بشارت می دهند

۱- صحیح بخاری (۶۳/۹) شماره (۵۰۱۸)، صحیح مسلم (۵۴۸/۱) شماره (۷۹۶)

۲- صحیح مسلم (۵۴۸/۱) شماره (۷۹۶)

۳- مشکوٰۃ المصابیح (۲۹۱/۱) شماره (۹۲۴)

[illegible]

همچنین فرشتگان به زکریا ۷ فرزندی بنام یحیی مژده دادند، خداوند می فرماید:

یعنی: پس (خداوند دعای او را پذیرفت و) در حالی که در عبادتگاه به نیایش ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به یحیی مژده می‌دهد، و او تصدیق کننده کلمه خدا (یعنی عیسی، چون با کلمه «کُن» پدید آمده است) و پیشوا و مبرا از هوسهای سرکش، و بیغمبری از (تبار) صالحان خواهد بود.

فرشتگان تنها به پیامبران مژده نمی دهند، بلکه گاهی به مؤمنان نیز مژده داده اند. از ابوهریره ر روایت است: شخصی برادر دینی اش را در روستایی دیگر ملاقات کرد. خداوند فرشته‌ای را بر مسیر راه او فرستاد. وقتی آن شخص رسید، فرشته از وی پرسید: قصد کجا داری؟ گفت: در فلان روستا برادر مسلمانی دارم و به دیدارش می روم. فرشته گفت: آیا به تو نیکی کرده است؟ پاسخ داد: خیر. بلکه بخاطر خدا او را

دوست دارم. فرشته گفت: پس بدان که من فرستاده‌ی خداوند بسوی تو هستم، و خداوند می‌فرماید: همانطور که تو برادر مسلمانان را دوست داری، من نیز تو را دوست دارم.^۱

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای پیامبر خدا! این خدیجه است، می‌خواهد نزد تو با ظرفی بیاید. که در آن آب یا غذا وجود دارد. هرگاه نزد تو رسید، از جانب خداوند و من (جبرئیل) به او سلام برسان و او را به خانه ای از مروارید و یاقوت در بهشت مژده بده.^۲

۱۷- فرشتگان در حالت خواب و رؤیا هم مژده می‌دهند

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما نقل می‌کند که: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله هر کس خوابی می‌دید، آن را برای ایشان بیان می‌کرد. من نیز آرزو داشتم که خوابی ببینم و آن را به عرض رسول خدا صلی الله علیه و آله برسانم. در آن دوران من جوان بودم و در مسجد می‌خوابیدم، در خواب دو فرشته را دیدم که مرا گرفته و بسوی دوزخ بردند. دوزخ را همچون حفره و چاه دیدم، و در آن افرادی بودند که آنان را می‌شناختم. بلافاصله گفتم: «أعوذ بالله من النار» یعنی: از آتش دوزخ به خدا پناه می‌برم. فرشته ای دیگر آمد و به من گفت: نترس.^۳

از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به او فرمود: «در خواب تو را در حالی دیدم که پارچه ابریشمی بر تن داشتی و فرشته ای تو را نزد من آورد و گفت: این همسر توست، و من پارچه را از صورت تو برداشتم و دیدم که تو عایشه هستی. گفتم: اگر این خواب از جانب خداوند باشد، قطعاً خداوند به آن جامه عمل خواهد پوشاند.^۴

۱۸- همراه با مؤمنان در جهاد شرکت کرده و از آنها حمایت می‌کنند

۱- صحیح مسلم (۱۹۸۸/۴) شماره (۲۵۶۷)

۲- بخاری (۱۳۳/۷) شماره (۳۸۲۰). مسلم (۱۸۸۷/۱) شماره (۲۳۲)

۳- بخاری (۶/۳) شماره (۱۱۲۱). و مسلم (۱۹۲۷) شماره (۲۴۷۹)

۴- بخاری (۱۸۰/۹) شماره (۱۵۲۵)

چَاب بَبَبَب پ پ پ پ پ چ [انفال: ۹]

و مے فرماید:

۱- صحیح بخاری (۳۱۲/۷) شماره (۳۹۹۵)

منظور از لشکری که شما آن را ندیدید، فرشتگان هستند. چون در احادیث صحیح آمده است: جبرئیل ۷ پس از بازگشت رسول خدا ص از غزوه‌ی خندق، نزد رسول خدا ص آمد که اسلحه اش را گذاشته و غسل کرده بود. ولی جبرئیل گرد و خاک را از موهای سرش می‌نشاند، و به رسول خدا ص گفت: شما اسلحه را گذاشته اید؟ ولی ما هنوز آن را نگذاشته ایم. بطرف کفار بیرون شو، رسول خدا ص فرمود: کجا برویم؟ جبرئیل بسوی بنی‌قریظه اشاره کرد.^۱

از انس ۲ روایت است که رسول خدا ص فرمود: «گویا گرد و غبار سواری جبرئیل را می‌بینم که از کوچه‌های بنی‌غنم بلند می‌شوند، و این زمانی بود که رسول خدا ص برای جهاد به غزوه‌ی بنی‌قریظه می‌رفت.^۲

۱۹- حمایت و پشتیبانی از رسول خدا ص

ابوهریره ۳ می‌گوید: «ابوجهل گفت: آیا محمد صورتش را خاک آلود می‌کند؟ (سجده می‌کند) گفته شد: آری. ابوجهل گفت: سوگند به لات و عزی، هرگاه او را ببینم که چنین می‌کند پایم را بر روی گردنش می‌گذارم تا ببینم چگونه سجده می‌کند.

رسول خدا ص مشغول نماز بود که ابوجهل آمد و می‌خواست پایش را بر گردن رسول خدا ص بگذارد، ولی هنوز به او نزدیک نشده بود که به عقب برگشت و دست خود را سپر کرده مثل اینکه خود را از چیزی نجات می‌داد. از وی پرسیده شد: تو را چه شده است؟ گفت: میان من و او چاله‌ای پر از آتش مهیب و پره‌ای عجیب و غریبی بود. رسول خدا ص فرمود: «اگر ابوجهل به من نزدیک می‌شد، فرشتگان اعضاء بدن او را تکه تکه می‌بردند».^۳

این روایت در کتاب التفسیر صحیح بخاری از روایت مسلم مختصرتر ذکر شده است.

۱- بخاری (۴۰۷/۷) شماره (۴۱۱۷). مسلم (۱۳۸۹/۳) شماره (۱۷۶۹)

۲- بخاری (۴۰۷/۷) شماره (۴۱۱۸)

۳- صحیح مسلم (۲۱۵۴/۴) شماره (۲۷۹۷).

گاهی خداوند متعال فرشتگان را برای حمایت از برخی بندگان صالح جز پیامبران می فرستد. از جمله این موارد داستانی است که ابن کثیر آن را در تفسیر این آیه آورده است که:

حافظ ابن عساکر به روایت ابوبکر محمد بن داوود دینوری معروف به دقی صوفی، در شرح حال مردی چنین می گوید: در مسیر دمشق زبدانی قاطر کرایه کشی می کردم. مردی همراهم سوار شد و در مسیرهای ناشناخته می رفتیم. سپس به من گفت: از همین مسیر برویم که نزدیک تر است. گفتم: در این مسیر برای من خیری وجود ندارد. گفت: این نزدیک تر است، روانه شدیم. به جای بسیار صعب العبوری و وادی بسیار عمیقی که کشته های زیادی در آنجا بود، رسیدیم. گفت: قاطر را نگاه دار تا من پیاده شوم. پایین شد و آستین را بالا زد و لباسهایش را جمع و جور کرد و چاقویی را برداشت و به من روی آورد. من فرار کردم و او دنبالم کرد. او را به خدا قسم دادم و گفتم: این قاطر را با بارش بردار، ولی مرا رها کن. گفت: قاطر و بار مال من است، ولی می خواهم تو را نیز به قتل برسانم. هر چند او را از خداوند و عذابش ترساندم، نپذیرفت.

ناچار تسلیم شدم. و از وی خواستم به من اجازه بدهد تا دو رکعت نماز بخوانم. گفت:
زود باش، بلند شدم تا نماز بخوانم. زبانم دچار لکنت شد، هرچه سعی کردم حتی یک
کلمه از قرآن را نتوانستم بر زبان بیاورم. سرگردان و پریشان ایستادم، و آن مرد مرا با
تندی صدا کرد و گفت: بس کن. ناگهان خداوند این آیه را بر زبانم جاری کرد: **چُوْ وَ**
وُ وَ وُ وَ وُ وَ چُ مردی را دیدم که از پایین رودخانه سوار بر اسبی و در حالی که
نیزه‌ای در دست دارد رسید. نیزه را بر قلب آن مرد زد و او فوراً بر زمین افتاد. خود را به
دامن این اسب سوار آویزان کرده و عرض کردم: چه کسی هستی؟ گفت: من فرستاده
کسی هستم که به داد ستمدیدگان می‌رسد، و آفت زندگان را یاری می‌کند، و
ستمدیدگان او را می‌خوانند و از وی کمک
می‌جویند. این مرد می‌گوید: قاطر مرا با محموله اش برداشته و به سلامت برگشتم.

از جمله این موارد این که خداوند جبرئیل را برای کمک مادر حضرت اسماعیل ع در مکه مکرمه فرستاد. از ابن عباس م روایت شده است: مادر حضرت اسماعیل ع هفت بار میان صفا و مروه برای جستجوی آب رفت و آمد کرد. وقتی نزدیک مروه رسید، صدایی به گوشش رسید. به خود گفت: ساکت باش، سپس صدایی شنید، گفت: آیا می توانید به من کمکی بکنید. ناگاه چشمش به فرشته ای در محل زمزم افتاد. آن فرشته با بالهای خود آب را بیرون آورد. فرشته به مادر اسماعیل گفت: هیچ خطری شما را تهدید نمی کند، اینجا خانه ی خداست که این پسر و پدر آن را خواهند ساخت. خداوند ساکنان این محل را ضایع نمی کند.^۱

در سنن نسایی آمده است که آن فرشته که نزد مادر اسماعیل ع آمد، جبرئیل بود. می-گوید: وقتی که جبرئیل محل زمزم را با پای خود حفر کرد، هاجر مادر اسماعیل شن ها را جمع کرد. (تا جلوی جریان آب را بگیرد) رسول خدا ص فرمود: خداوند مادر اسماعیل را مورد مرحمت قرار دهد، اگر جلوی جریان آب زمزم را نمی گرفت، بصورت چشمه جاری می شد.^۲

۲۱- در تشییع جنازه ی بندگان نیکوکار شرکت می کنند

رسول خدا ص درباره ی سعد بن معاذ فرمود:

«هذا الذي تحرك له العرش، وفتحت له أبواب السماء، وشهده سبعون ألفاً من الملائكة، لم يهبطوا إلى الأرض قبل ذلك، ولقد ضُمَّ ضمة، ثم أفرج عنه».

یعنی: او کسی است که عرش خداوند بخاطر درگذشت او به لرزه درآمد، و درهای آسمان به روی او گشوده شدند، و هفتاد هزار فرشته در تشییع جنازه اش شرکت کردند.

۱- بخاری (۳۹۷/۶) شماره (۳۳۶۴)

۲- صحیح الجامع (۱۹۷/۲)

در این آیه خداوند Ψ به ما خبر داده که فرشتگان در آن فاصله‌ی زمانی صندوقی را برای بنی اسرائیل آوردند تا قلبشان بر این آرامش و اطمینان یابد که طالوت برگزیده‌ی خداوند است، پس از وی اطاعت و پیروی کنند و به فرمان او عمل کنند.

۲۴- دفاع از مکه و مدینه در برابر دجال

دجال به تمام شهرها و سرزمینها جز مکه و مدینه وارد می‌شود. مکه و مدینه بدلیل جلوگیری فرشتگان از ورود دجال و رسیدن او به این دو شهر، محفوظ می‌ماند. در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی از حدیث فاطمه بنت قیس، در قصه‌ی تیمم داری آمده است که دجال می‌گوید: «من مسیح دجال هستم و به زودی اجازه‌ی خروج به من داده می‌شود. بعد از خروج در زمین به سیر و سیاحت می‌پردازم، و هیچ شهری را رها نمی‌کنم، و در مدت چهل روز به تمام شهرهای دنیا خواهم رفت جز مکه و طیه (مدینه)، این دو شهر از ورود من محفوظ و من از ورود به آنها محروم هستم. هرگاه بخواهم به یکی از این دو شهر وارد شوم، فرشته‌ای با شمشیر از نیام کشیده و مانع ورود من به این دو شهر می‌شود. دروازه‌ی ورودی این دو شهر فرشتگانی گماشته شده که از آن حفاظت می‌کنند. رسول خدا ص با چوب‌دستی کوچکی که در دست داشت بر منبر زد و با اشاره به سوی مدینه‌ی منوره فرمود: این طیه است، این طیه است، این طیه است.^۱

ابی بکره روایت می‌کند که رسول خدا ص فرمود: «رُعب و وحشت مسیح دجال به مدینه نمی‌رود. مدینه در آن روزگار هفت درب ورودی خواهد داشت که بر هر یک دو فرشته گماشته خواهد شد».^۲

ابوهریره τ می‌گوید: رسول خدا ص فرمود: «بر راه‌های مدینه فرشته‌هایی گماشته شده‌اند، و طاعون و دجال نمی‌توانند وارد مدینه شوند»^۱، و نیز فرمود: «هیچ شهر و

۱- مسلم (۲۲۶۳/۴) شماره (۲۹۴۲)

۲- بخاری (۹۰/۱۳) شماره (۷۱۲۵)

دیاری باقی نمی ماند که دجال وارد آن نشود، جز مکه و مدینه، که بر دروازه های ورودی هر یک از آنان فرشتگان با صف ایستاده و از آن محافظت می کنند. سپس مدینه سه مرتبه به لرزه می آید، آنگاه خداوند تمام کافران و منافقان را از آن بیرون می کند.

۲۵- فرود آمدن عیسی همراه دو فرشته

نواس بن سمعان می گوید: رسول الله ص پیرامون حدیث دجال چنین فرمود: «در همین اثنا حضرت عیسی بن مریم U بر مناره سفید جانب شرقی دمشق با لباس رنگ شده با ورس و زعفران در حالی فرود می آید. که دو دستش را بر روی بالهای دو فرشته گذاشته است».^۲

۲۶- فرشتگان بالهایشان را بر سرزمین شام گسترانیده اند

زید بن ثابت انصاری T می گوید: از رسول خدا ص شنیدم، که فرمود: (خوشای شام، خوشای شام!) پرسیده شد: ای پیامبر خدا! چرا چنین است؟ فرمود: آنها فرشتگان خدا هستند که بالهایشان را بر فضای شام (سوریه) گسترانیده اند.

(شیخ ناصرالدین آلبنی در تخریج و بررسی احادیث فضایل شام که از ربعی روایت شده اند می گوید: این حدیث صحیح است که ترمذی، و حاکم در المستدرک و احمد در المسند روایت کرده اند، و حاکم گفته: بر شرط شیخین صحیح است، و ذهبی موافقت کرده، و همین طور است، همانگونه که منذری در الترغیب و الترہیب می گوید: ابن حبان و طبرانی آن را با سند صحیح روایت کرده اند).

۲۷- هماهنگی با فرشتگان موجب پاداش است

رسول خدا ص فرمود: «هر گاه امام آمین گوید، شما نیز آمین بگویید، هر کس آمین گفتنش با آمین فرشتگان هماهنگ باشد، گناهای گذشته اش بخشیده خواهند شد».^۳

۱- بخاری (۱۰۱/۱۳) شماره (۷۱۲۳)

۲- سنن ترمذی (۲۴۹/۲) شماره (۱۸۲۵)

۳- بخاری (۲۶۲/۲) شماره (۷۸۰)، مسلم (۳۰۷/۱) شماره (۴۱۰)

در صحیح بخاری آمده است: «هرگاه آمین گفتن شما و فرشتگان آسمان هماهنگ شد، گناهان گذشته ی شما بخشیده خواهند شد».^۱

در حدیثی دیگر رسول خدا ص فرمود: هرگاه امام گفت: «سمع الله لمن حمده»، شما «اللهم ربنا لك الحمد» بگویید، زیرا هر کس سخنش با سخن فرشتگان هماهنگ شود، گناهان گذشته‌اش بخشوده خواهند شد».^۲

وظیفه‌ی مؤمن در قبال فرشتگان

فرشتگان بندگان برگزیده‌ی خدا هستند و نزد پروردگارشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، و مسلمانی که خدا را عبادت کند و در صدد خشنودی خداوند است، چاره‌ای جز دوستی و تعظیم و طرفداری از فرشتگان ندارد. و مؤمن باید از هر عملی که موجب ناخشنودی و اذیت و آزار فرشته می‌شود خودداری کند. در این بخش توضیحاتی در این زمینه تقدیم می‌گردد.

1- اذیت نکردن فرشتگان

علمای اسلام به شدت ناسزاگویی و عیب‌گویی فرشتگان را محکوم کردند. علامه سیوطی رحمه الله به نقل از قاضی عیاض، و او از سحنون می‌گوید: هر کس فرشته‌ای را دشنام دهد، باید کشته شود. این حکم درباره‌ی تمام فرشتگان یا آن فرشته‌هایی است که فرشته بودن آنان برای ما آشکار باشد. یعنی فرشته بودن آنان از قرآن و یا از حدیث متواتر و مشهور و متفق علیه ثابت شده باشد، مانند جبرئیل، نکهبان بهشت، مالک و زبانیه مأمور جهنم، حاملان عرش، عزرائیل، اسرافیل، رضوان، نگهبانان و نویسندگان اعمال انسان و منکر و نکیر. اما این حکم شامل آنهایی که حدیث، دلیل و اجماعی بر فرشته بودنشان نباشد، مانند هاروت و ماروت این حکم مذکور شامل حالشان نمی‌شود. سیوطی

۱- صحیح بخاری (۲۶۶/۲) شماره (۷۸۱)

۲- بخاری (۲۸۳/۲) شماره (۷۹۶)

به نقل از قرافی مالکی می‌گوید: بر هر انسان مکلفی احترام پیامبران و فرشتگان ضروری است. هر کس با صراحت، کنایه و یا تعریض و اشاره، درباره‌ی حیثیت فرشتگان سخن بگوید، کافر می‌شود. مثلاً هر کس بگوید: فلانی از فرشته نگهبان دوزخ سنگ دل تراست، یا فلانی از منکر و نکیر وحشتناک تر است، اگر این سخن را بخاطر اثبات عیب و نقص وحشت و سنگدلی بگوید، کافر می‌گردد.^۱

2- پرهیز از گناه و نافرمانی خدا

آنچه که بیش از هر چیز موجب اذیت و آزار فرشته می‌شود، گناه، کفر و شرک است، از این رو بزرگترین هدیه به فرشتگان که آنها را خشنود و راضی می‌کند این است که دین انسان خالصانه برای پروردگار باشد، و از هر آن چه که موجب خشم خداست پرهیزد. از این رو فرشتگان به منزلی که گناه و نافرمانی خدا در آن باشد، یا چیزی در آن خانه باشد که خداوند نسبت به آن نفرت و خشم داشته باشد، مثل بُت، مجسمه و تصاویر ذی روح وارد نمی‌شوند. همچنین فرشتگان به کسانی که نافرمانی خدا را می‌کنند، مانند انسانهای مست نزدیک نمی‌شوند.

ابن کثیر گفته: «در حدیث صحیح که در کتابهای صحاح، مسانید و سنن تعدادی از صحابه روایت کرده اند آمده است که رسول خدا ص فرمود: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةٌ وَلَا جُنُبٌ وَلَا كَلْبٌ» یعنی: فرشتگان به خانه ای که تصویر، سگ و انسان جنب و ناپاک در آن باشد وارد نمی‌شوند.

در روایتی دیگر از حضرت علی ؑ کلمه ی «بول» نیز در حدیث اضافه شده است. یعنی ادرار نیز مانع ورود فرشتگان است. در حدیث مرفوعی رافع از ابوسعید چنین روایت می‌کند: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ ، وَلَا صُورَةٌ تَمَاطِيلٌ» یعنی: فرشتگان به خانه ای که

۱- الحبانک فی اخبار الملائک للسیوطی (۲۵۵۱)

در آن سگ و مجسمه باشد، وارد نمی شوند. در روایتی دیگر از ابوهریره τ چنین نقل شده است: « لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةُ رُقْفَةً مَعَهُمْ جَرَسٌ أَوْ كَلْبٌ »^۱

یعنی: فرشتگان کاروانی را که سگ و زنگوله داشته باشند، همراهی نمی کنند.

بریده τ می گوید: رسول خدا ص فرمود: «فرشتگان سه نفر نزدیک نمی شوند: کسی که مست باشد، مردی که با زعفران لباسهایش را رنگ کرده است، و شخص جنب و ناپاک»^۲.

از عمار یاسر م روایت است، که رسول خدا ص فرمود: «فرشتگان به این سه چیز نزدیک نمی شوند: جسد کافر، کسی که خلوق (نوعی عطر) را به لباسهایش زده باشد، مگر اینکه وضو بگیرد»^۳.

3- آنچه موجب اذیت و آزار انسانهاست فرشتگان را نیز اذیت می کند

از احادیث صحیح ثابت است که آنچه انسانها را اذیت می کند، موجب اذیت و آزار فرشتگان نیز می شود. از این رو فرشتگان از بوی بد، پلیدی ها و گندگی اذیت می شوند.

جابر بن عبدالله م می گوید: که رسول خدا ص فرمود: «هر کس پیاز، سیر و تره بخورد به مساجد ما نیاید؛ زیرا از آنچه انسانها ناراحت و اذیت می شوند، فرشتگان نیز احساس ناراحتی می کنند»^۴.

۱- البدایة و النهایة (۵۵/۱)

۲- صحیح الجامع (۷۰/۳)

۳- صحیح سنن ابی داود (۸۷۲/۲)

۴- مسلم (۳۹۴/۱) شماره (۵۶۷)

زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

خداوند در این آیه و آیه‌های دیگر خبر داده که فرشتگان منسجم و یکی هستند. هر کس با یکی از آنان دشمنی بورزد، او در واقع با خداوند و همه‌ی فرشتگانش دشمن است. اما دوستی با بعضی از فرشتگان و دشمنی با برخی دیگر، خرافه‌ای است که جز اندیشه‌ی منحرف یهودی کسی دیگر بدان قائل نیست. و این که قرآن از یهود نقل می‌کند عذر و بهانه‌ای واهی بیش نیست که کفر و بی‌ایمانی خود را بدان توجیه نموده، و ادعا می‌کردند که جبرئیل دشمن آنان است، چون مایه‌ی جنگ و تخریب است و اگر میکائیل نزد محمد می‌آمد، سخنانش را می‌پذیرفتم.

مبحث چهارم: فرشتگان، کافران و فاسقان

در مباحث گذشته پیرامون رابطه‌ی فرشتگان با مؤمنان بحث شد، و تا حدودی موضع آنان در مقابل کفار روشن گردید. بنابراین قطعاً فرشتگان کافران ستمکار و مجرم را دوست ندارند، بلکه نسبت به آنان عداوت و دشمنی داشته و با آنها می‌جنگند، و دلهایشان را به لرزه در می‌آورند، همانطور که در جنگ بدر و احزاب این حادثه اتفاق افتاد. اکنون به زوایای دیگری خواهیم پرداخت که تاکنون بیان نشده، و توضیحات بیشتری درباره‌ی موضع فرشتگان در قبال کفار بیان خواهد شد.

1- آوردن عذاب بر کفار

وقتی که پیامبران الهی از جانب مردم تکذیب می‌شدند، و قومشان بر تکذیب اصرار می‌ورزیدند، اغلب اوقات خداوند بر آنها عذاب نازل می‌کرد، و بیشتر اوقات این عذاب را فرشتگان می‌آوردند.

2- نابود کردن قوم لوط

خداوند می فرماید:

یعنی: چگونه خداوند گروهی را رهنمون می‌کند که بعد از ایمانشان و پس از آن که گواهی دادند به این که پیغمبر بر حق است و معجزات و دلایل روشنی برای آنان (بر حَقَّانیتِ محمد) بیامد، کافر شدند؟ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نخواهد کرد. این چنین کسانی، کفرشان این است که نفرین خدا و فرشتگان و مردمان همه، بر آنان باشد.

یعنی: کسانی که کفر ورزیدند و در حالی که کافر بودند مردند (و با استمرار کفر و بدون توبه و پشیمانی، از دنیا رفتند) نفرین خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آنان خواهد بود.

فرشتگان تنها کفار را نفرین نمی‌کنند، بلکه کسانی را که مرتکب گناهان ویژه‌ای می‌شوند، نیز نفرین می‌کنند.

جز کافران افرادی که مورد نفرین فرشتگان هستند:

از ابوهریره τ روایت است، که رسول خدا ص فرمود: «هرگاه شوهر از زنش درخواست همبستری نمود و زن نافرمانی کند، فرشتگان تا صبح آن زن را نفرین می‌کنند». در روایتی دیگر آمده است: تا وقتی که به رختخوابش بر می‌گردد.^۱

۱- صحیح بخاری (۲۹۳/۹) شماره (۵۱۹۳)

2- کسی که در قبال برادرش چاقو بکشد

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: ابو القاسم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس با ابزار تیز و برنده (مانند کارد و چاقو به منظور تهدید) به برادرش اشاره کند فرشتگان او را نفرین می کنند، حتی اگر برادر پدری و مادری یکدیگر باشند.^۱»

نفرین نمودن فرشته بیانگر حرام بودن این کار است؛ زیرا موجب رُعب و وحشت برادرش می گردد، و گاهی شیطان او را به طغیان واداشته که او را به قتل می رساند، بویژه اگر از اسلحه های مدرن جدید باشد که ممکن است با کمترین اشتباه و خطا خطرهای جبران ناپذیری به بار آورد، و موارد زیادی از این حوادث رخ داده اند.

3- کسانی که به یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله و ناسزا می گویند

در معجم طبرانی از ابن عباس رضی الله عنه با سند حسن روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به اصحاب و یاران من ناسزا بگوید، نفرین خدا و فرشتگان و تمام انسانها بر او باد».

جای بسی شگفتی است که امروزه قوم هایی هستند که ناسزاگویی اصحاب بزرگوار رسول الله صلی الله علیه و آله را دین و عبادت می دانند، و چنین می پندارند که این عمل (زشت) موجب نزدیک شدن به خداست، اما پاداش آنان همان گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله است که پاداش وحشتناکی است.

4- کسانی که مانع اجرای شریعت خداوند می شوند

۱- صحیح مسلم (۲۰۲۰/۴) شماره (۲۶۱۶)

از ابن عباس ؓ روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مرتکب قتل عمد شد، بعنوان قصاص کشته می شود، و هر کس مانع اجرای قصاص شود، نفرین خدا، فرشتگان و تمام انسانها بر وی باد».^۱

بنابر این هر کس مانع اجرای حکم خداوند در مورد قصاص بوسیله ی مال، و توسل به مقام و قدرت باشد این نفرین او را شامل می شود. از این رو حال کسانی چطور خواهد بود که نه تنها مانع قصاص، بلکه مانع تمام احکام شریعت می شوند؟!

5- هر کس اهل بدعتی را پناه دهد

از جمله کسانی که مورد نفرین خدا هستند، بدعتگزارانی هستند که در دین خدا نوآوری بوجود می آورند. یعنی از احکام و شریعت خدا تجاوز می کنند، یا بدعتگزاران را پناه داده، و از آنان حمایت و پشتیبانی می کنند. در حدیث صحیح آمده است: «فَمَنْ أَحْدَثَ حَدَّثًا أَوْ آوَى مُحْدِثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».^۲

یعنی هر کس در دین بدعت و نوآوری بوجود آورد، یا بدعت گذاری را پناه دهد، نفرین خدا، فرشتگان و همه ی مردم بر او باد.

بدعت و نوآوری در مدینه عبارت است از ارتکاب جرم و جنایت. از علی بن ابی طالب ؓ روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مدینه از فاصله ی غیر تا ثور (غیر و ثور دو کوه هستند که مدینه در فاصله ی میان آنها قرار دارد) حرم است. هر کس در آن مرتکب جرم شود، یا اهل بدعتی را حمایت کند، نفرین خدا، فرشتگان و همه ی مردم بر او باد، و خداوند در روز قیامت طاعت و فدیة ی او را نمی پذیرد.^۳

دیدن فرشته

۱- صحیح سنن نسایی (۴۹۲/۳) شماره (۴۴۵۶)

۲- ابو داود و نسائی و حاکم روایت کرده اند. صحیح الجامع (۸/۶)

۳- بخاری (۸۱/۴) شماره (۱۸۷۰). مسلم (۹۹۴/۲) شماره (۱۳۷۰)

چ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ی ی چ [اسراء: ۹۵]

[illegible]

ت چ پ ی ن د ت
ت چ پ ی ن د ت

چ [انعام:۱۱۱]

یعنی: اگر ما فرشتگانی را به پیش ایشان می‌فرستادیم و مردگانی (را زنده می‌کردیم و در برابر دیدگان‌شان سر از گورها بدر می‌آوردند و درباره راستگویی محمد) با ایشان سخن می‌گفتند، و همه چیز را آشکارا در برابر آنان گرد می‌آوردیم آنان ایمان نمی‌آوردند مگر این که خدا می‌خواست ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.

فصل چهارم: فرشتگان و سایر مخلوقات

سایر وظایف فرشتگان در جهان هستی

در فصل گذشته رابطه ی فرشتگان با انسانها مورد بررسی قرار گرفت. تمام وظایف موکول شده به فرشتگان موارد مذکور نیستند؛ زیرا فرشتگان در امور گوناگون جهان هستی انجام وظیفه می کنند که برخی از آنها را می بینیم و برخی دیگر را نمی بینیم.

اینک به ذکر برخی از این وظایف در پرتو آیات و روایات، اشاره می شود:

1- فرشتگان حامل عرش

عرش بزرگترین مخلوق خداوند است که آسمانها را احاطه کرده و بالاتر از همه قرار دارد. خداوند بر روی عرش قرار دارد، و هشت نفر از فرشتگان حاملان عرش هستند: **چ ژ ژ ژ ک ک چ** [الحاقه: ۱۷]

یعنی: و در آن روز، هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر می دارند.

2- فرشته ی موکل به امور کوه ها

تعدادی از فرشتگان مأمور کوهها هستند. خداوند فرشته ی کوهها را به منظور نظر خواهی از رسول خدا ص پیرامون نابودی ساکنان مکه نزد ایشان فرستاد.

عائشه ب می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! آیا روزی سخت تر از روز اُحد بر تو گذشته است؟ فرمود:

«لَقَدْ لَقِيتُ مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ أَشَدَّ مَا لَقِيتُ مِنْهُمْ يَوْمَ الْعَقَبَةِ إِذْ عَرَضْتُ نَفْسِي عَلَى ابْنِ عَبْدِ يَالِيلَ بْنِ عَبْدِ كِلَالٍ فَلَمْ يُجِبْنِي إِلَى مَا أَرَدْتُ فَأَنْطَلَقْتُ وَأَنَا مَهْمُومٌ عَلَى وَجْهِ فَلَمْ أَسْتَفِقْ إِلَّا بِقَرْنِ الثَّعَالِبِ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَأَدَا أَنَا بِسَحَابَةٍ قَدْ أَظْلَمْتَنِي فَنَظَرْتُ فَأَدَا فِيهَا جِبْرِيلُ فَنَادَانِي فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ سَمِعَ قَوْلَ قَوْمِكَ لَكَ وَمَا رَدُّوا عَلَيْكَ وَقَدْ بَعَثَ إِلَيْكَ مَلَكَ الْجِبَالِ لِتَأْمُرَهُ بِمَا شِئْتَ فِيهِمْ قَالَ فَنَادَانِي مَلَكُ الْجِبَالِ وَسَلِّمْ عَلَيَّ. ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ سَمِعَ قَوْلَ قَوْمِكَ لَكَ وَأَنَا مَلَكُ الْجِبَالِ وَقَدْ بَعَثَنِي رَبُّكَ إِلَيْكَ لِتَأْمُرَنِي بِأَمْرِكَ فَمَا شِئْتَ أَنْ شِئْتَ أَنْ أَطِيقَ عَلَيْهِمُ الْأَخْشَبِينَ^۱». فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- «بَلْ أَرْجُو أَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِهِمْ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ وَخَدَهُ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»^۲.

یعنی: ای عایشه! آزار و شکنجه‌ی زیادی از قوم تو به من رسیده که سخت‌ترین آنها روز عقبه (جایی در منی) بود. روزی که نزد ابن عبد یالیل بن عبد کللال رفتم و در خواست پناهندگی کردم، ولی به خواسته ام پاسخ مثبت نداد. غمگین و پریشان به راهم ادامه دادم، و زمانی متوجه شدم که در «قرن ثعالب»^۳ رسیدم. سر بلند کردم. ابری دیدم که بر من سایه افکنده است. نگاه کردم جبرئیل را در آن دیدم. جبرئیل مرا صدا کرد و گفت: خداوند پاسخ قوم تو را شنید، و اکنون فرشته‌ی کوه ها را فرستاده است تا هرطور می خواهی در مورد آن قوم درخواست عذاب و انتقام از خدا کنی. سپس فرشته-ی کوه‌ها مرا صدا کرد و به من سلام گفت، سپس اظهار داشت: ای محمد! خداوند پاسخ قوم تو را شنید و من فرشته‌ی کوه‌ها هستم. خداوند مرا فرستاده تا اگر بخواهی این دو کوه مکه را بر سرشان فرو ریزم. رسول خدا ص فرمود: خواهان نابودی آنان نیستم، بلکه امیدوارم خداوند از پشت آنان فرزندان‌ی بدنیا آورد که بدون شریک قرار دادن برای خدا تنها او را عبادت کنند.

3- فرشتگان موکل به باران، گیاهان و ارزاق

۱- اخشبین نام دو کوه در مکه است.

۲- مسلم (۱۴۲۰/۳) شماره (۱۷۹۵)

۳- نام جایی است میان مکه و طائف.

ابن کثیر می گوید: میکائیل مأمور باران و گیاهانی است که روزی این دنیا از آنها تامین می شود، و دستیار و کارگزارانی دارد که از دستور وی اطاعت می کنند و بادهای و ابرها را به هر سو که خداوند Ψ بخواهد می گردانند و تغییر مسیر می دهند.^۱

این را هم روایت کرده ایم که هر قطره بارانی از آسمان فرود می آید فرشته ای همراه دارد که آن را در محلش بر زمین مستقر می گرداند.

بعضی از فرشتگان مأمور ابرها هستند. از ابن عباس τ روایت شده است که رسول خدا ص فرمود: «الرعد ملك من الملائكة وكل بالسحاب معه مخاريق من نار يسوق بها السحاب حيث شاء الله» یعنی رعد فرشته ای است که امور ابرها را بر عهده دارد و پارچه ای از آتش با اوست که ابرها را هر جا که خداوند Ψ بخواهد سوق می دهد.^۲

بنابر این گاهی سرزمینی یا شهری را آبیاری می کند و در کنار آن سرزمین دیگری خشک و بی آب باقی می ماند.

گاهی این فرشته مأموریت می یابد که از میان زمین های گوناگون تنها به یک زمین آب بدهد. همانگونه که در حدیثی از ابوهریره τ روایت شده است که رسول خدا ص فرمود: شخصی در بیابان، از میان ابر صدایی شنید که گفت: «باغ و زمین فلانی را آبیاری کن». آن شخص دید که بلافاصله ابر از جای خود تکان خورد و آبش را در یک میدان ریخت و جویباری آب را به زمین و مزرعه شخصی که نامش را در صدای غیبی شنیده شده بود، برد، و تمام این آب در آن جویبار بسوی مزرعه ی مورد نظر سرازیر شد. این شخص آب را دنبال کرد، و چون به مزرعه رسید مردی را مشاهده کرد که مشغول آبیاری است. از او پرسید: ای بنده ی خدا! اسم تو چیست؟ مرد کشاورز همان اسمی را که او از ابرها شنیده بود، نام برد. گفت: اسم تو را شنیده بودم و صدای غیبی می گفت: مزرعه ی فلانی را آبیاری کن. باران بارید و این همان آبی است که مزرعات را با آن آبیاری می کنی. تو با محصول این مزرعه چه می کنی؟ مرد کشاورز گفت: اکنون که تو این را گفتی ناچارم تو

۱- البدایة و النهایة (۵۰/۱)

۲- سنن ترمذی (۶۴/۳) شماره (۲۴۹۲) و صحیح الجامع (۱۸۸/۳)

را پاسخ دهم. من یک سوم محصول را صدقه می‌دهم، و یک سومش را برای خود و خانواده ام خرج می‌کنم، و یک سوم دیگر را در خود مزرعه و زمین هزینه می‌کنم.^۱

بهر حال فرشتگان مأمور امور زمین و آسمانها هستند، و هر حرکتی که در جهان هستی بوجود آید، منشأ آن فرشتگان هستند. همانطور که خداوند می‌فرماید:

چے چے [نازعات: ۴-۵]

یعنی: و سوگند به همه چیزهایی که (با ویژگیهایی که بدانها داده شده است) به اداره امور می‌پردازند! و فرمود: چے چے یعنی: و سوگند به فرشتگانی که کارها را (میان خود برابر فرمان یزدان) تقسیم کرده‌اند!

تکذیب کنندگان نبوت و منکران خالق هستی می‌گویند: همه ی این امور توسط ستارگان انجام می‌گیرند. ولی مدیر و گرداننده ی همه ی این امور خداوند Ψ است که آن را توسط فرشتگان اجرا می‌کند. همانطور که در قرآن می‌فرماید:

چک گ گ گ گ گ گ چ [مرسلات: ۱-۵]

و می‌فرماید: چٹ ٹ ہ ہ ہ ہ ہ چ [نازعات: ۱-۵]

و می‌فرماید:

چآ ب ب ب ب چ [صافات: ۱-۳]

تمام این آیه های قرآن در مورد گردانندگان امور زمین و آسمانها توسط فرشتگان، سخن می‌گویند.

۱- صحیح مسلم (۲۲۸۸/۴) شماره (۲۹۸۴)

فصل پنجم:

مفاضله و برتری میان فرشته و انسان

اختلاف نظر در این موضوع دیرینه است

ابن کثیر می‌گوید: مردم در مورد برتری فرشتگان بر انسانها اختلاف نظر دارند، و دیدگاه‌های گوناگونی در این باره نقل شده است، و بیشترین مسئله در کتابهای متکلمان مطرح شده، و اختلاف نظر با معتزله و پیروان آنهاست.^۱

قدیمی‌ترین دیدگاه در این موضوع، آن است که حافظ ابن عساکر در تاریخ خود در شرح زندگانی عمرو بن سعید بن عاص نقل کرده، آنجا که می‌گوید: عمرو بن سعید بن عاص در مجلس عمر بن عبدالعزیز حاضر شد در حالی که تعدادی از مردم حضور داشتند. عمر بن عبدالعزیز گفت: هیچ انسانی نزد خداوند گرامی‌تر از انسان مؤمن و نیکوکار نیست و از این آیه استدلال نمود که می‌فرماید: **يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يَخْتَارُ لِمَنْ يَّشَاءُ مَنْ يَّخْلُقُ مَا يَشَاءُ لِمَنْ يَّخْتَارُ** [یٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يَخْتَارُ لِمَنْ يَّخْلُقُ مَا يَشَاءُ لِمَنْ يَّخْتَارُ] [بینا: ۷]

یعنی: همانا کسانی که مؤمن اند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، بهترین انسانها هستند.

امیه بن عمرو بن سعید نیز با نظریه ی عمر بن عبدالعزیز موافق بود، عراق بن مالک می‌گوید: هیچ کسی نزد خداوند از فرشتگان گرامی‌تر نیست. فرشتگان خادمان هر دو جهان و پیام‌آوران پروردگار بسوی پیامبران هستند. و ایشان برای ادعای خود به این آیه استدلال نمود: **وَوَيْلٌ لِلَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ** [اعراف: ۲۰]

یعنی: ابلیس گفت: پروردگارتان شما را از این درخت باز نداشته است، مگر بدان خاطر که (اگر از این درخت بخورید) دو فرشته می‌شوید، و یا این که (جاودانه می‌گردید و) از زمره ی ساکنان همیشگی بهشت خواهید شد.

عمر بن عبدالعزیز به محمد بن کعب قرظی گفت: ای ابا حمزه! نظر تو چیست؟ گفت: خداوند آدم را گرمی داشته است، و با دست خود او را آفریده، و از روح خود در آن دمیده، و به فرشتگان را دستور داده تا او را سجده کنند، و از فرزندان او پیامبران را برگزیده است. و از میان انسانها کسانی هستند که فرشتگان به زیارت آنان می‌روند.

محمد بن کعب با عمر بن عبدالعزیز در این موضوع موافق و به دلایل دیگری غیر از دلایل او استناد کرد.

آنچه که ابن کثیر از عمر بن عبدالعزیز τ و جلساتش پیرامون این موضوع بیان نموده است، بیانگر خطا و اشتباه تاج الدین فرازی است که می‌گوید: این موضوع (برتری آدم بر فرشتگان) از بدعتهای علم کلام است که علمای صدر اول اسلام و بعد از آن در این باره سخنی نگفته‌اند.^۱

این دیدگاه فرازی درست نیست؛ زیرا در صدر اول اسلام، حتی در دوران صحابه نیز در این باره سخن به میان آمده است. عبدالله بن سلام τ می‌گوید: خداوند هیچ کس و هیچ مخلوقی را گرمی‌تر از محمد ص نیافریده است. پرسیده شد: حتی جبرئیل و میکائیل؟ در پاسخ خطاب به سؤال کننده فرمود: «أندري ما جبرئيل و ميكائيل؟» آیا جبرئیل و میکائیل چه کسانی هستند؟ آنها از جمله مخلوقاتی هستند که مانند خورشید و ماه مسخرند، و خداوند هیچ مخلوقی را گرمی‌تر از محمد نیافریده است.^۲

۱- شرح عقیده طحاویه (۳۳۹)

۲- (حاکم فی المستدرک نقل کرده، و با ذهبی آن را صحیح دانسته‌اند)

دیدگاه‌های مختلف در خصوص مساله مذکور

شارح عقیده ی طحاویه می گوید: عقیده اهل سنت این است که تنها انسانهای نیکوکار و پیامبران بر فرشتگان برتراند. معتزله فرشتگان را برتر از انسان می‌دانند، و اشعری ها دو دیدگاه متفاوت دارند: بعضی پیامبران و اولیا را برتر از فرشتگان می‌دانند، و برخی دیگر سکوت و توقف نموده و نظریه قطعی ارائه نمی دهند. البته از برخی برتر بودن فرشتگان نقل شده است، و همین نظریه از برخی دیگر از اهل سنت و صوفیه نقل شده است.

شیعه می گوید: تمام امامان از همه ی فرشتگان برترند.

هیچ یک از کسانی که گفتارشان معتبر است، اظهار نظر نکرده اند که فرشتگان بر برخی از پیامبران برتری دارند. گفته شده که امام ابوحنیفه در این موضوع توقف نموده، و شارح عقیده طحاویه این نظریه را ترجیح داده است.^۱

سفارینی نقل کرده که امام احمد رحمه الله گفته است: کسی که فرشتگان را برتری داده، مرتکب خطا و اشتباه شده، و هر مؤمنی برتر از فرشته است.^۲

سرچشمه‌ی اختلاف

در بحث برتری انسان بر فرشته، منظور کفار و منافقان نیستند. زیرا آنان بطور یقین از چهارپایان گمراه تر هستند، آنجا که می فرماید:

چ د ف ف ف ف چ [اعراف: ۱۷۹]

همچنین منظور برتری حقیقت انسان بر حقیقت فرشتگان نیست، بلکه مقایسه میان برتری انسانهای پاک با فرشتگان است. اگر چه بعضی گفته اند: فرشتگان از سایر مؤمنان برترند، ولی مورد اختلاف برتری میان پیامبران و میان فرشتگان است.

۱- شرح عقیده الطحاویه (۳۳۸)

۲- لوامع انوار البهیة (۳۹۸/۲)

آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند، برابر و یکسانند؟!

۶- یکی از دلایل برتری آدم بر فرشتگان این است که اطاعت نمودن انسان بسیار مشکل‌تر است از اطاعتی که فرشتگان برای خداوند انجام می‌دهند؛ زیرا سرشت بشر همواره توأم با غرایزی همچون شهوت، حرص و آز، خشم و هوسهای نفسانی آفریده شده است، ولی فرشتگان از چنین غرایزی پاک هستند.

۷- علمای سلف احادیثی که بیانگر برتری آدم بر فرشتگان هستند را در مجامع و محافل عمومی بیان کرده‌اند، و اگر برتری آدم موضوع ناپسند و منکری می‌بود، آن را رد می‌کردند، و این رد نکردن دلالت بر اعتقاد آنان است.

۸- مباهات خداوند به وجود بندگان در حضور فرشتگانش. آری، هرگاه بندگان انجام وظیفه می‌کنند، و نمازهای واجب را برپا می‌دارند، خداوند به وجود آنان در برابر فرشتگان مباهات می‌کند. در مسند امام احمد و سنن ابن ماجه از عبدالله بن عمرو τ روایت شده است، که پیامبر خدا ص فرمود:

«أَبْشَرُوا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ هَذَا رَبُّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَتَحَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ السَّمَاءِ يُبَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةُ يَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَدَّوْا فَرِيضَةً وَهُمْ يَنْتَظِرُونَ أُخْرَى»^۱ یعنی: ای جماعت مسلمانان! مژده باد، این پروردگار است که دری از درهای آسمان را گشوده و به وجود شما در برابر فرشتگان مباهات می‌کند و می‌فرماید: ای فرشتگان! به بندگان من نگاه کنید، آنان یک فرض را انجام داده و منتظر فرض دیگری هستند.

ابوهریره τ می‌گوید: رسول خدا ص فرمود: خداوند به وجود زائران میدان عرفات (روز عرفه) در مقابل ساکنان آسمانها فخر ورزیده و خطاب به آنان می‌فرماید: به این بندگانم بنگرید، آنها ژولیده‌مو و خاک آلود به پیشگاه من آمده‌اند.^۲

۱- صحیح الجامع (۶۷/۱)

۲- صحیح الجامع (۱۴۱/۲)

دلایل کسانی که معتقد به برتری فرشتگان بر انسان هستند

۱- به این حدیث قدسی استدلال کرده اند: «فَإِنْ ذَكَرْنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَفِي ذَكَرْنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُ» یعنی: هرکس مرا نزد خود یاد کند، من هم او را نزد خود یاد می‌کنم، و هرکس مرا در جمع یاد کند، من در میان جمع بهتری از او یاد می‌کنم.

۲- استدلال دوم آنان این است که در سرشت انسان نقص و کوتاهی و لغزش و بیهوده-گویی وجود دارد، در حالی که فرشتگان از این امور پاک هستند.

۳- خداوند می‌فرماید: **چ ب ه ه ه ه ه چ [انعام: ۵۰]**

یعنی: من به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام.

این آیه بیانگر برتری فرشتگان بر انسانهاست.

تحقیق و بررسی

بهترین دیدگاه در این موضوع، نظریه علامه ابن تیمیه رحمه الله است که می‌گوید: «بندگان نیکوکار از نظر سرانجام و عاقبت خوب، برتر هستند، و این زمانی است که بندگان صالح وارد بهشت شوند و به قُرب و جایگاه والایی نائل گردند؛ و در بالاترین منازل بهشت سکونت یابند، و خداوند به آنان سلام و خوش آمد گفته، و آنها را بیشتر به خود نزدیک نماید، و از دیدار سیمای با عظمت و زیبای خداوند لذت ببرند، و فرشتگان به فرمان خداوند در خدمت آنان باشند.

ولی از نظر آنان فرشتگان بر انسانها برتری دارند؛ زیرا فرشتگان اکنون در آسمانها هستند، و از آلودگی‌هایی که انسانها بدان مبتلا هستند پاک و منزّه اند، و همواره به عبادت پروردگار مشغولند، و این احوال فرشتگان اکنون از حلالتهای انسان کامل تر و برتر است.

ابن قیم جوزی رحمه الله می گوید: راز برتری با این تفصیل آشکار می گردد، و دلایل هر دو گروه صحیح است و هر دو گروه با دلایلی که دارند بر حق هستند.^۱ (والله اعلم بالصواب) و خداوند Ψ به حقیقت و درستی داناست.

۱- بمنظور کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به منابع زیر مراجعه نمایید: (مجموع الفتاوی: ۳۵۰/۱۱) و (لوامع انوار البهیة: ۳۶۸/۲) و (شرح عقیده الطحاویة: ۳۳۸)

فهرست منابع

- 1- ابن قيم، اغائة اللهفان.
- 2- ابن كثير، البداية و النهاية.
- 3- فيروز آبادى، بصائر ذوى التمييز.
- 4- آلبنى، ناصر الدين، تخريج أحاديث فضائل الشام.
- 5- ابن كثير، تفسير ابن كثير.
- 6- ولى الله دهلوى، حجة الله البالغة.
- 7- شرح العقيدة الطحاوية.
- 8- آلبنى، ناصر الدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة.
- 9- آلبنى، ناصر الدين، صحيح الجامع الصغير.
- 10- اشقر، عمر سليمان، العقيدة فى الله.
- 11- السفارينى، لوامع الانوار البهية (عقيدة السفارينى).
- 12- ابن تيمية، مجموعه فتاوى. (جمع أورى ابن قاسم).
- 13- شيخ حافظ الحكمى، معارج القبول.